پیمان سلیمانی روزبهانی[1]

خانه‌باغ صدرمیرحسینی در کرمان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۴/۱۲
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۷/۱۴
doi 10.22034/9.1.46

چکیده

خانه‌باغ صدرمیرحسینی، از جمله معدود خانه‌های موجود در محلهٔ آتشکدهٔ کرمان است که از جنبه‌های مختلف تاریخی و معمارانه قابل توجه است. این بنای فاخر که متعلق به دورهٔ حکومت پهلوی دوم است با شرایط و ویژگی‌های خاص خود به‌عنوان یکی از آثار تاریخی. فرهنگی، در دورهٔ گذار از سنت به مدرنیته بر اساس اصول معماری اصیل ایرانی بنا شده و متعلق به اقلیت زرتشتی است که در حاشیهٔ شمالی خیابان شهداء (زریسف) در جوار دیگر خانه‌باغ‌های موجود در منطقه زرتشتی‌نشین کرمان قرار گرفته است.

انتخاب این خانه‌باغ به دلیل فرم، ابعاد و ساختار معماری خاص آن و دیگر اینکه عدم وجود منابع مطالعاتی پیرامون آن، قابلیت معرفی به‌عنوان الگویی خاص از خانه‌باغ بود. همچنین وجود فضاهای داخلی خاص آن همچون حمام و چاه آب گاوگرد و حوض آبی بزرگ، زیبا و منحصربه‌فرد که همین موضوع اهمیت پرداختن به آن را دوچندان می‌کرد. از طرفی دیگر در معرض فرسایش و زوال قرارگرفتن خانه‌باغ صدرمیرحسینی به‌دلیل متروکه شدن از دیگر دلیل انتخاب آن به‌عنوان موضوع این پژوهش بود.

لذا مقاله پیش رو با هدف معرفی این خانه‌باغ در بافت زرتشتی‌نشین کرمان، بر پایهٔ جمع‌آوری اطلاعات به‌شیوه اسنادی، مطالعات کتابخانه‌ای و برداشت‌ها و مشاهدات میدانی سعی در بررسی ویژگی‌های بنا به‌منظور ارتقاء سطح شناخت جامعه نسبت به گونه‌ای از تیپولوژی مسکن (خانه) زرتشتیان کرمان و معرفی آن در ایران و به‌ویژه شهر کرمان را دارد.

کلیدواژه‌ها: خانه، خانه‌باغ، بافت تاریخی، اقلیت زرتشتی، معماری پهلوی، کرمان

۱. کارشناس ارشد مرمت و احیاء ابنیه و بافت‌های تاریخی؛ مدیر پایگاه میراث فرهنگی بافت تاریخی کرمان.

Email:peymansoleymani57@gmail.com

مقدمه

محلهٔ آتشکده کرمان بافت مسکونی محدوده پیرامون آتشکدهٔ زرتشتیان کرمان در محدودهٔ شمالی خیابان شهداء (زریسف)، تنها محلهٔ باقی‌مانده از سکونتگاه‌های زرتشتیان در این شهر است. الگوی معماری و فضایی این بافت در گذشته به صورت خانه‌باغ بوده است و ساکنان آن هم اغلب زرتشتی بوده‌اند، اما به مرور زمان در این بافت تغییراتی صورت گرفته و کیفیت و ارزش مسکونی آن تنزل یافته است. برخی از این تغییرات در پی خیابان‌کشی‌های دورهٔ پهلوی صورت گرفته و با رشد شهر و گسترش محلات جدید ادامه یافته است. متأسفانه اقتضائات جامعهٔ مدرن به فرسودگی و تخریب این دست بافت‌های قدیمی در شهر کرمان شدت بخشیده و با خروج ساکنان اصلی به فراموشی هویت تاریخی آنها انجامیده است.

خانه‌باغ صدر میرحسینی نیز از جمله معدود خانه‌های موجود در محلهٔ آتشکدهٔ کرمان است که از جنبه‌های مختلف تاریخی و معمارانه قابل توجه است. این بنا با پلاک ثبتی ۳۲۸/۳۸۲۷/۳۸۲۳/۳۸۲۲ در جبههٔ شمالی خیابان شهداء (زریسف)، نبش چهارراه انقلاب قرار دارد. سابقهٔ اسکان و شکل‌گیری محلهٔ مسکونی زرتشتیان در این منطقه به دورهٔ قاجاریه بر می‌گردد (تصویر ۱). مقالهٔ حاضر به معرفی این بنا و نیز بررسی ساختار کالبدی آن می‌پردازد.

پیشینهٔ تحقیق

بر اساس بررسی‌های انجام شده پیرامون خانه‌باغ‌های زرتشتی موجود در کرمان، مشخص گردید که تا کنون تنها پژوهش‌های صورت‌گرفته پیرامون بنای مذکور، بر اساس تفاهم‌نامه منعقده فی‌مابین ادارهٔ کل میراث فرهنگی، صنایع دستی

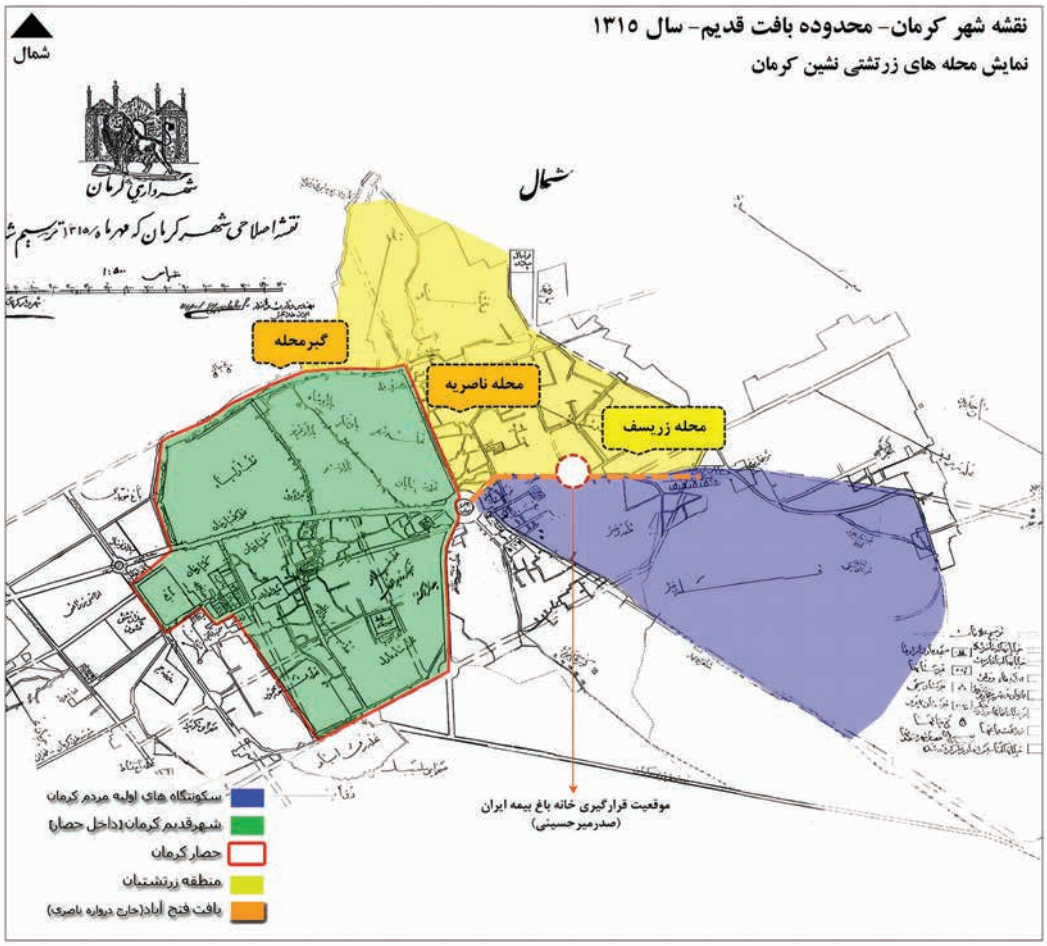

تصویر ۱. نمایش محدودهٔ محله‌های زرتشتی‌نشین و موقعیت خانه‌باغ صدرمیرحسینی در کرمان، مأخذ: سلیمانی روزبهانی، ۱۳۹۸

و گردشگری استان کرمان و شرکت سهامی بیمه ایران، انجام پروژه مستندسازی جهت ثبت این اثر در فهرست آثار ملی کشور بوده که در تابستان ۱۴۰۰ توسط پایگاه میراث فرهنگی بافت تاریخی کرمان صورت گرفته و همچنین طرح مرمت و ساماندهی این بنا که با همکاری شرکت مهندسان مشاور طرح گارنو در پائیز ۱۴۰۱ تهیه گردید. همچنین در محدودهٔ مکانی موضوع مورد پژوهش نیز دو مورد مطالعهٔ موردی صورت گرفته است: ۱. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد پیمان سلیمانی روزبهانی است که در بهمن‌ماه ۱۳۹۲ با موضوع طرح احیاء و ساماندهی خانه‌باغ فریدون سروشیان در دانشکدهٔ معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی انجام شده؛ و ۲. مقاله‌ای با عنوان خانه‌باغ فریدون سروشیان در کرمان که در نشریهٔ گلستان هنر، شمارهٔ ۱۸، زمستان ۱۳۹۸ به چاپ رسیده، لازم به ذکر است که این بنا که در همسایگی خانه‌باغ صدرمیرحسینی می‌باشد.

پیشینهٔ تاریخی بنا

این بنا که به خانه‌باغ صدرمیرحسینی معروف است طبق سند مالکیت ملک، متعلق به فرخ‌تاج صدرمیرحسینی، فرزند محمد و همسر ابوالحسن صدرمیرحسینی بوده که در سال ۱۳۳۸ هجری شمسی توسط وی از مالک اصلی آن (آقای ایرج پورزند) که یکی از زرتشتیان ساکن کرمان بوده خریداری گردید و سپس در سال ۱۳۶۴ هجری

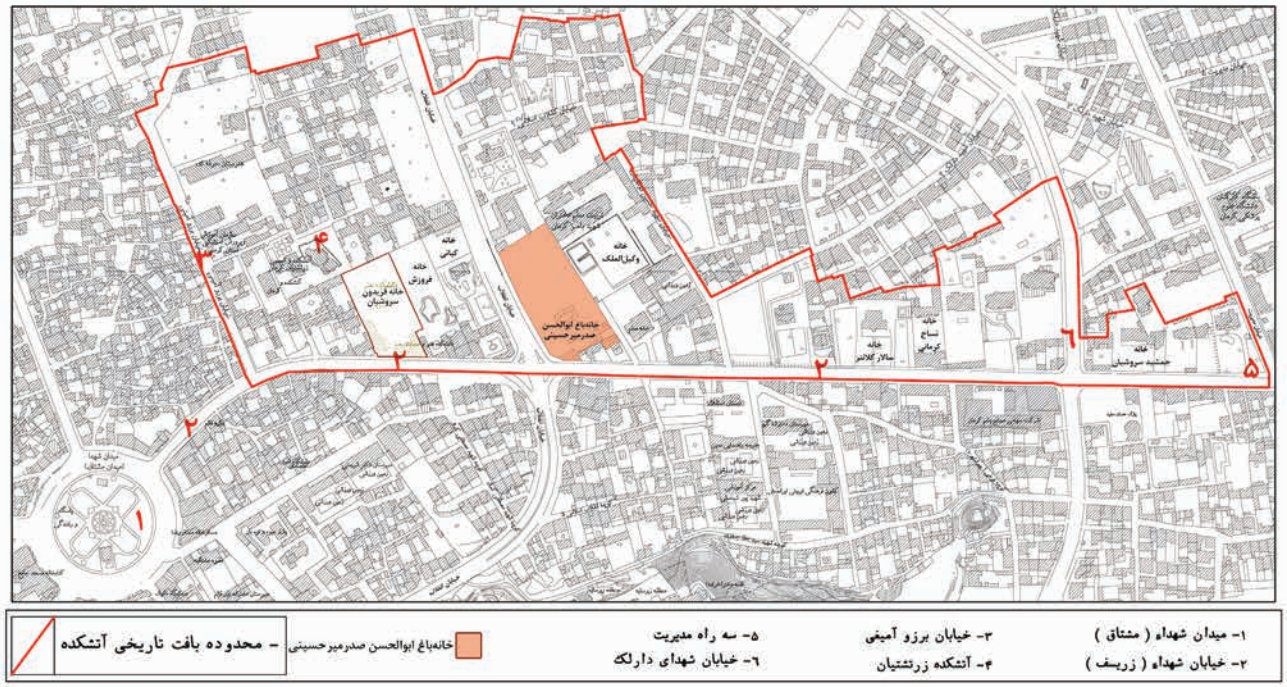

تصویر ۲. نقشه شهری محدودهٔ بافت ثبت میراث ملی آتشکدهٔ کرمان در سال ۱۳۸۵ و موقعیت عناصر شاخص موجود در آن، مأخذ: دفتر فنی ادارهٔ کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کرمان

تصویر ۳. نمایش موقعیت قرارگیری خانه‌باغ صدرمیرحسینی نسبت به خانه‌های همجوار آن در عکسی هوایی تطبیقی سال ۱۳۳۵، مأخذ: نگارنده، برگرفته از سازمان نقشه‌برداری کشور

تصویر ۴. نمایش موقعیت قرارگیری خانه‌باغ صدرمیرحسینی نسبت به خانه‌های همجوار آن در عکس هوایی تطبیقی سال ۱۳۸۵، مأخذ: نگارنده، برگرفته از سازمان نقشه‌برداری کشور

تصویر ۵. بزرگنمایی موقعیت خانه‌باغ صدرمیرحسینی نسبت به دیگر خانه‌های همجوار در محدوده مورد نظر مأخذ: نگارنده، برگرفته از عکس هوایی سال ۱۳۸۴، سایت Google maps

شمسی، شرکت سهامی بیمه ایران آن‌را خریداری نمود که در حال حاضر نیز در تملک این شرکت می‌باشد.

از بررسی‌های به‌عمل آمده و تحقیقات میدانی و بررسی نقشه و فرم معماری بنا در مقایسه با نمونه‌های موردی مشابه موجود در همجواری آن (تصاویر ۲-۵)، می‌توان زمان ساخت این بنا را دورهٔ پهلوی دوم تخمین زد.

ابوالحسن خان از طرف پدری نوهٔ میرزاحسین خان راینی حاکم کرمان در دوره زندیه بود (وزیری کرمانی، ۱۳۶۴). ابوالحسن‌خان در سال ۱۳۲۴ هجری شمسی با درجه سروانی از نظام استعفاء داده و به دنبال فعالیت در حوزه کشاورزی می‌رود. ولیکن امور کشاورزی و شخصی ایشان یکی دو سال بیشتر طول نمی‌کشد و در سال ۱۳۲۵ هجری شمسی روی به سیاست آورده و از جمله اعضای انجمن شهر کرمان و نیز رئیس این انجمن می‌گردد.

وی هفدهمین شهردار کرمان در دورهٔ قبل از انقلاب اسلامی بوده که از اقدامات عمرانی و اصلاحی ابوالحسن صدرمیرحسینی می‌توان به این موارد اشاره کرد: احداث خیابان‌های ایرانشهر، مقابل پست و تلگراف (مخابرات) از چهارراه بانک ملی تا خیابان جم (قرنی) یا (دادور)، از میدان محل تلاقی خیابان‌های مسجد امام خمینی(ره) (ملک)، طالقانی تا میدان ژاندارمری (قرنی) و آسفالت آنها و همچنین تکمیل آسفالت خیابان‌های کاظمی، صمصام (فلسطین) و نام‌گذاری و نصب خیابان‌های خواجوی کرمانی، وثوق‌السلطنه دادور و مادر (کوچه ماهانی) که برای اولین بار در کرمان طی تشریفاتی انجام شد. ابوالحسن صدرمیرحسینی در تاریخ ۲۷ دی‌ماه ۱۳۳۹ هجری شمسی از سِمت شهرداری کرمان استعفاء داد. وی در شنبه سوم اسفندماه ۱۳۴۲ هجری شمسی در حالی که کشور درگیر اصلاحات ارضی بود در سن ۶۸ سالگی به سبب سکتهٔ مغزی در کرمان درگذشت (سایت خبری تحلیلی یک صفحه). این خانه در گذشته کاربری مسکونی داشته و به‌عنوان یکی از عناصر شاخص و ارزشمند بافت تاریخی موجود در محدودهٔ مذکور تمامی ویژگی‌های محیطی، اجتماعی، تاریخی و فرهنگی بافت مسکونی مذکور را داراست (تصاویر ۶-۱۱).

تصویر ۶. نمای شمالی کوشک خانه‌باغ، مأخذ: نگارنده

تصویر ۷. تصویر حوض آب و نقشه ترسیم شده آن، مأخذ: نگارنده

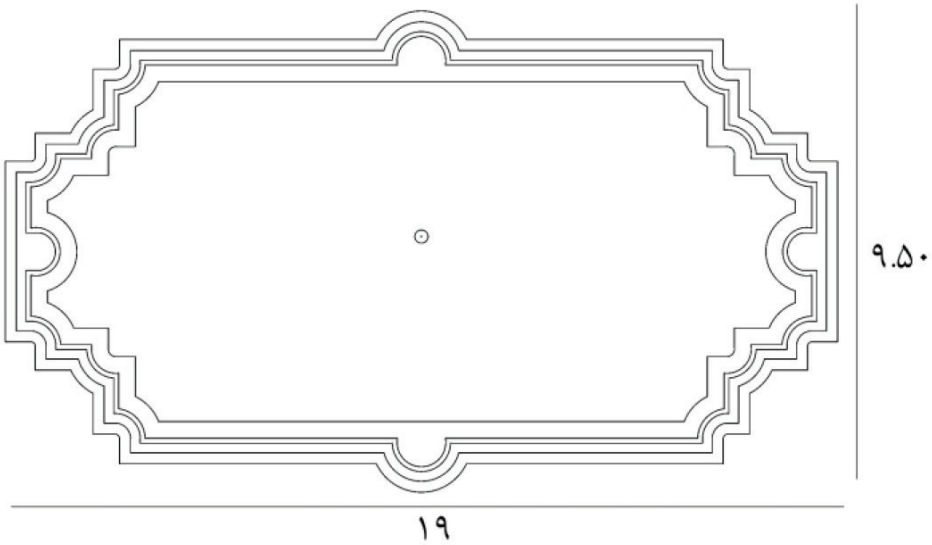

تصویر ۸. نمای جنوبی کوشک، مأخذ: نگارنده

تصویر ۹. نمای جنوبی و غربی کوشک خانه‌باغ، دید از جانب درب ورودی حیاط، مأخذ: نگارنده

تصویر ۱۰. نمای شرقی کوشک، مأخذ: نگارنده

تصویر ۱۱. نمای غربی کوشک، مأخذ: نگارنده

شکل و فرم

واژه‌شناسی خانه‌باغ

در برخی از خانه‌های بزرگ شهری و اعیان‌نشین، در بخشی از زمین، باغی طراحی می‌شد و نحوه ترکیب آن با فضاهای خانه به‌صورت‌های متنوع انجام می‌گرفت. وسعت و موقعیت این‌گونه باغ‌ها «خانه‌باغ» از یک‌سو با ثروت و قدرت صاحب آن متناسب بود و از سویی دیگر تابع خصوصیات و امکانات محیطی شهر بود. غالباً این‌گونه خانه‌باغ‌ها در پیرامون یا بیرون از بافت شهری قرارداشتند (نعیما، ۱۳۸۵: ۲۸).

گونه‌شناسی باغ

الف. انواع باغ بر اساس موقعیت قرارگیری

باغ واقع در محیط‌های کم‌شیب و هموار: مانند باغ فین کاشان و باغ ارم شیراز

باغ واقع در روی تپه: مانند باغ تخت شیراز و قصر قاجار تهران

باغ آبی: مانند ائل‌گلی تبریز

باغ واقع در کنار رودخانه: مانند کاخ آئینه اصفهان در دوران صفوی

باغ‌خانه: مانند خانه‌باغ تاریخی پیرنیا و معصومی در نائین، خانه‌باغ نو طبس، خانه‌باغ رسول حسینی اصفهان، خانه‌باغ باکوچی کاشان (همان‌جا).

ب. دسته‌بندی باغ‌ها بر اساس کارکرد

باغ میوه: ساده‌ترین باغ از لحاظ طراحی و سودمندترین نوع از لحاظ اقتصادی

باغ سکونتگاهی یا باغ‌خانه: باغی که بسیاری از اعیان و رجال، عمارت مسکونی خود را در آن می‌ساختند.

باغ سکونتگاهی ـ حکومتی: باغی که در شهرهای کوچک فاقد تشکیلات اداری و نظامی، حاکم شهر در آن سکونت می‌کرد و علاوه بر عمارت مسکونی دارای عمارتی برای اشتغال به امور حکومتی نیز بود.

باغ حکومتی: باغی در پایتخت‌ها و شهرهای مهم کشور که در آن طراحی فضاهای سکونتگاهی و دیوانی و خدماتی به نحوی بود که اختلالی میان فعالیت‌ها ایجاد نگردد.

باغ ـ مزار: نوعی باغ که غالباً تمام یا بخشی از عرصه آن به مزار اختصاص یافته است.

باغ ـ مدرسه: نوعی از باغ که در آن مدرسه یا خانقاه بوده است مانند باغ و مدرسه خان شیراز (همان: ۲۴).

پ. دسته‌بندی خانه‌باغ بر اساس خصوصیات فضای مسکونی

۱) خانه‌باغ‌هایی که فضای مسکونی آنها تنها سطح اندکی از کل باغ را اشغال می‌کند یعنی ساختمان یا کوشک مسکونی در یک باغ قراردارد که از این نمونه می‌توان خانه قوام (نارنجستان قوام) شیراز را نام برد.

۲) باغ‌های کوچکی که در پشت یا جنب یک عمارت مسکونی قرار دارند. در این نوع خانه‌باغ، عموماً بهترین بخش خانه به‌نحوی ساخته می‌شده که از یک‌سو منظری به باغ داشته باشد. یک نمونه از این دست می‌توان خانه پیرنیا در نائین را نام‌برد. لازم به ذکر است که این‌گونه خانه‌باغ‌ها در اکثر موارد، در محدوده حصار شهر جای داشته‌اند (همان: ۲۸).

از این‌رو بازشناسی کالبدی خانه‌باغ‌های موجود در محدودهٔ موضوع مورد پژوهش به‌منظور دستیابی به الگوهای ساختاری در نظام شکل‌گیری و استقرار آنها در منطقه و میزان تأثیرپذیری آنها در شکل بافت شهری الزامی است. لذا طی این مبحث به بررسی مشخصات معماری، کالبدی و فرهنگی

تصویر ۱۲. چگونگی دسترسی‌ها در محدودهٔ بنای مورد نظر، مأخذ: نگارنده، برگرفته از سایت Googlemap

بنای خانه‌باغ صدرمیرحسینی و بستر شکل‌گیری آن در جهت دستیابی به الگوی کلی آن خواهیم پرداخت. عمارت اصلی باغ به‌صورت کوشکی مرکزی، واقع در ابتدای زمین که در راستای محور شمالی- جنوبی دارای تقارن است در قالب یک باغ‌خانه طراحی شده و دارای چهارنمای بیرونی و مستقل می‌باشد. ساختار کلی خانه‌باغ به‌صورت یک مستطیل با کشیدگی شمالی جنوبی است که دارای یک ورودی است که در جانب جبهه جنوب غربیِ بنا واقع در خیابان شهداء «زریسف»، نبش چهار راه انقلاب است (تصویر ۱۲).

این خانه‌باغ در زمینی با مساحت تقریبی ۱۲۰۰۰ مترمربع احداث گردیده است. ساختمان اصلی باغ (کوشک) دارای دو محور تقارن در پلان و همچنین در نما بوده که به‌صورت دو اشکوب (طبقه) شامل طبقهٔ همکف و زیر همکف (زیرزمین) ساخته شده و نسبت به بناهای پیرامون خود در محدودهٔ بافت مسکونی مورد نظر کاملاً شاخص است (تصاویر ۱۳-۱۸).

نحوهٔ قرارگیری سایت و بنا

در این مورد نیز نمی‌توان قائل به جبر اکولوژیک بود و ادعا کرد که شکل بنا را موقعیت آن بر زمین یا موقعیت آن در شهر یا روستا تعیین می‌کند. اگرچه این موضوع اهمیت دارد، اما هرگز به‌تنهایی برای توجیه اشکال متنوع بناها کافی نیست. در حالت کلی موقعیت طبیعی بستر بنا عامل تعیین‌کنندهٔ شکل بنا نیست. جانمایی عناصر تشکیل دهندهٔ یک بافت روستایی یا شهری، تنها متأثر از اقلیم، جهات شبکه ارتباطی و دسترسی نیست بلکه؛ تابع ویژگی‌های مذهبی، فرهنگی و اجتماعی نیز است. این خانه‌باغ نیز در راستای شمال غربی- جنوب شرقی قراردارد که به همین واسطه از بهترین

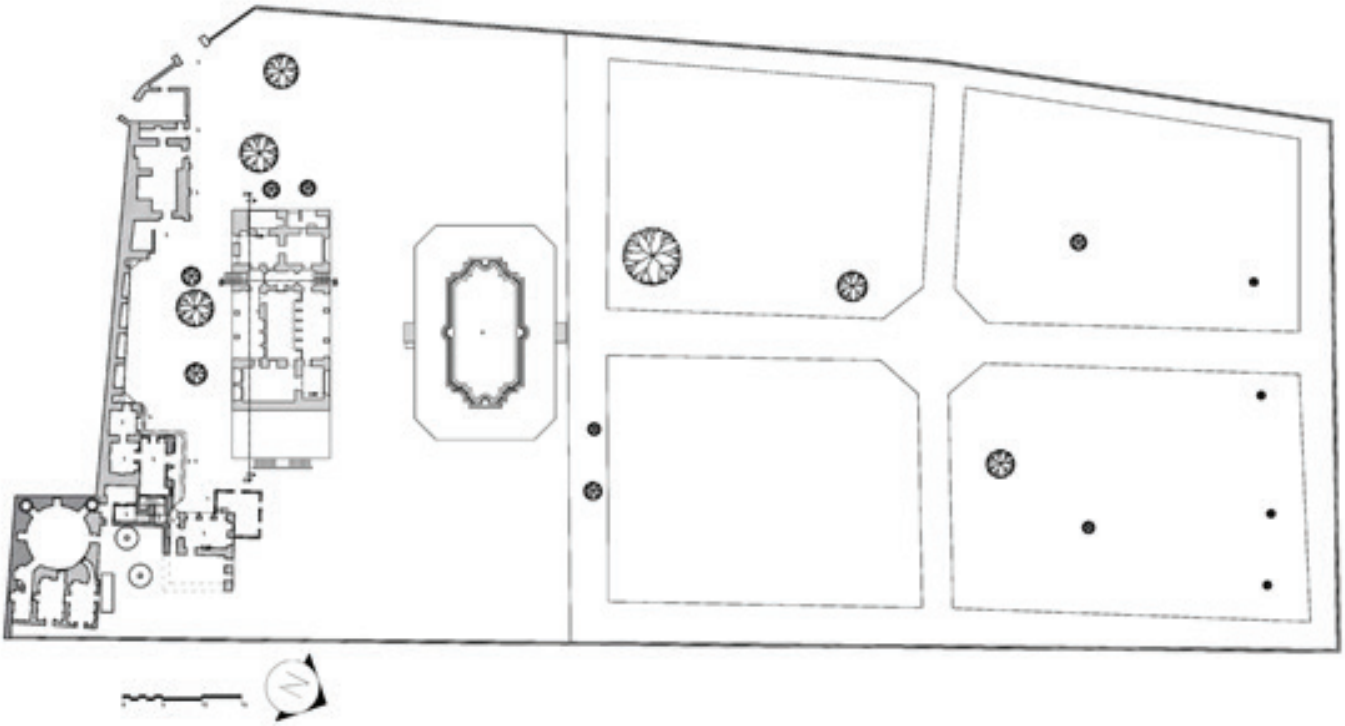

تصویر ۱۳. سایت‌پلان تهیه شده از خانه‌باغ، سال ۱۴۰۰، مأخذ: دفتر فنی ادارهٔ کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کرمان

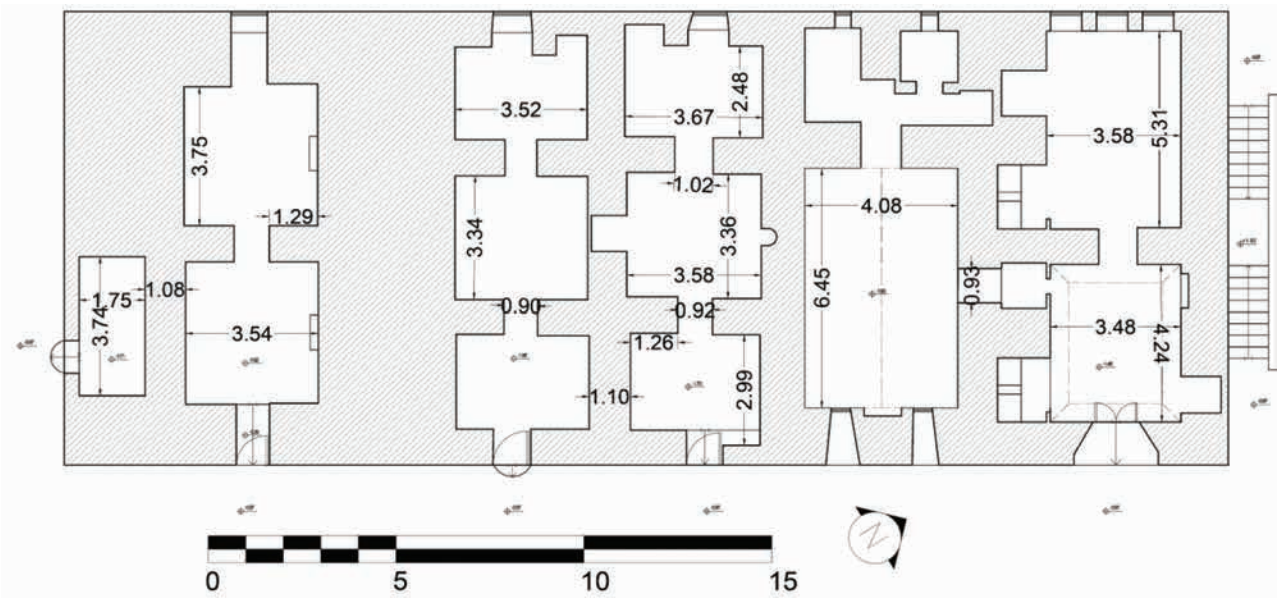

تصویر ۱۴. پلان زیرزمین تهیه شده از کوشک خانه‌باغ (اندازه گذاری)، سال ۱۴۰۰، مأخذ: دفتر فنی ادارهٔ کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کرمان

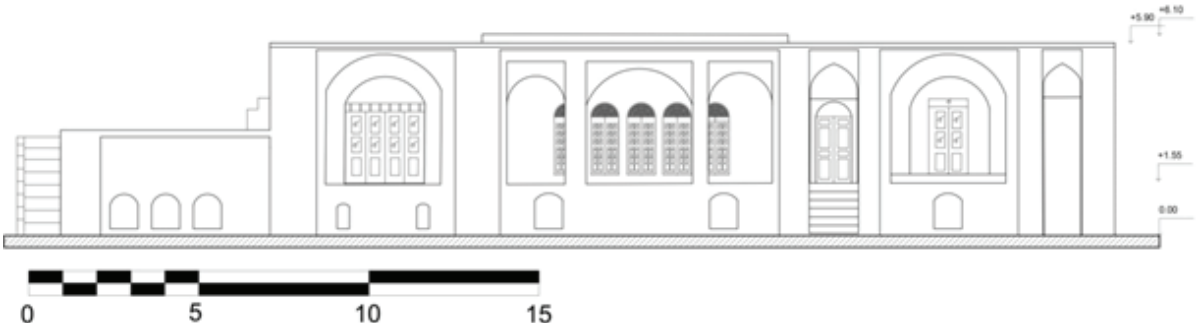

تصویر ۱۵. نمای شمالی تهیه شده از کوشک خانه‌باغ، سال ۱۴۰۰، مأخذ: دفتر فنی ادارهٔ کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کرمان

تصویر ۱۶. نمای جنوبی تهیه شده از کوشک خانه‌باغ، سال ۱۴۰۰، مأخذ: دفتر فنی ادارهٔ کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کرمان

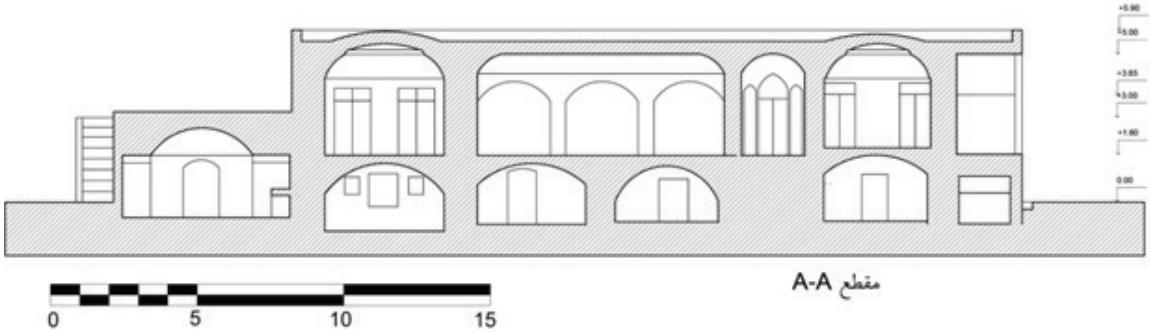

تصویر ۱۷. برش (مقطع) تهیه شده از خانه‌باغ، سال ۱۴۰۰، مأخذ: دفتر فنی ادارهٔ کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کرمان

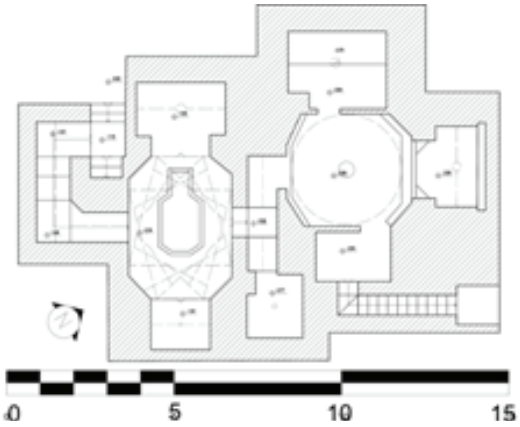

تصویر ۱۸. پلان تهیه شده از حمام خانه‌باغ، سال ۱۴۰۰، مأخذ: دفتر فنی ادارهٔ کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کرمان

میزان تابش و باد مطلوب منطقه به‌خوبی بهره می‌گیرد (تصویر ۱۹).

گردش فضایی

خلق فضا در معماری تابعی از نیازهای مادی و معنوی انسان بوده و هست. یعنی ذات اصلی معماری، خلق فضاست که توسط بشر با توجه به نیاز به آرامش محیطی و آسایش اقلیمی بر پایهٔ تجربه و نیز دانش فنی صورت می‌گیرد.

بنابراین در بهترین حالت یک رابطهٔ مناسب و منطقی باید بین فضاها وجود داشته باشد تا یک محیط مناسب برای زندگی فراهم گردد. این رابطه بین چرایی و چگونگی پُر و خالی بودن فضاهای شهری و از جمله مجموعه‌های مسکونی از مهم‌ترین عوامل متعادل‌کننده است (تصویر ۲۱-۲۰).

چگونگی وحدت فضای بیرون و درون

فضای بیرون و درون معماری آنچنان به‌هم پیوسته است که هر کدام بر روی شکل و فرم یکدیگر تأثیر متقابل دارند و چیزی که امروزه با آن مواجه هستیم در برخی از طرح‌های معماری، اکثر فضاهای بیرونی از نحوهٔ قرارگرفتن ساختمان‌ها در کنار یکدیگر تعریف می‌شود یعنی خود آنها به‌تنهایی واجد ارزش و اصالتی نیستند، بلکه وقتی استقرار ساختمان‌ها مطابق اصول‌شان صورت‌گرفت، فضای حاصل بین آنها هر چه که می‌خواهد باشد، فضای بیرونی نامیده می‌شود.

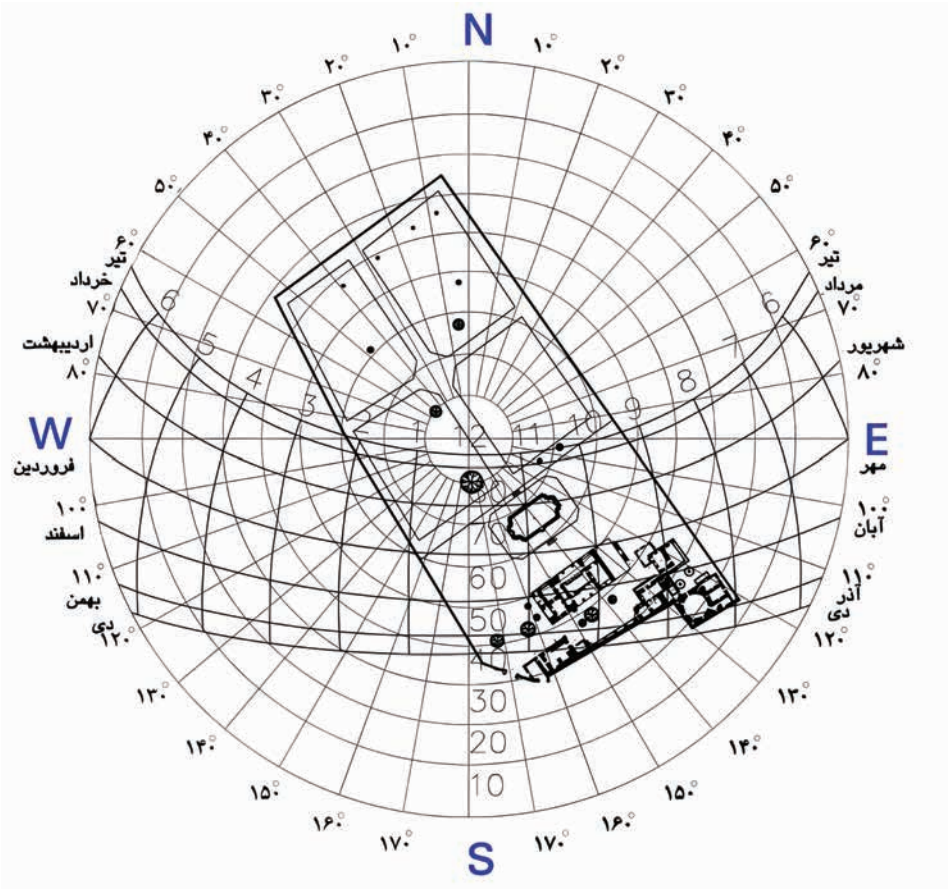

تصویر ۱۹. نحوهٔ قرارگیری خانه‌باغ بر اساس رون غالب منطقه، ترسیم: مجید حاجی‌زاده جواران

تصویر ۲۰. گردش فضایی خانه‌باغ، مأخذ: نگارنده

ولی در معماری سنتی فضای بیرونی همان نظم و قواعد درون را دارد. هیچ جزئی از درون و بیرونِ بنا خارج از قاعده نیست و همان‌طور که ساختمان‌ها فضای بیرونی را می‌سازند، خود آنها نظم خاصی را به بنا می‌دهند. بخش عمده‌ای از زیبایی، احساس آرامش و هم‌پیوندی‌ای که در بین عناصر تشکیل‌دهنده بافت‌های تاریخی فرهنگی شهرهای قدیم دیده می‌شود مدیون نظم میان دو فضای بیرونی و درونی است که در معماری سنتی ایرانی نهفته است (تصاویر ۲۲-۲۵).

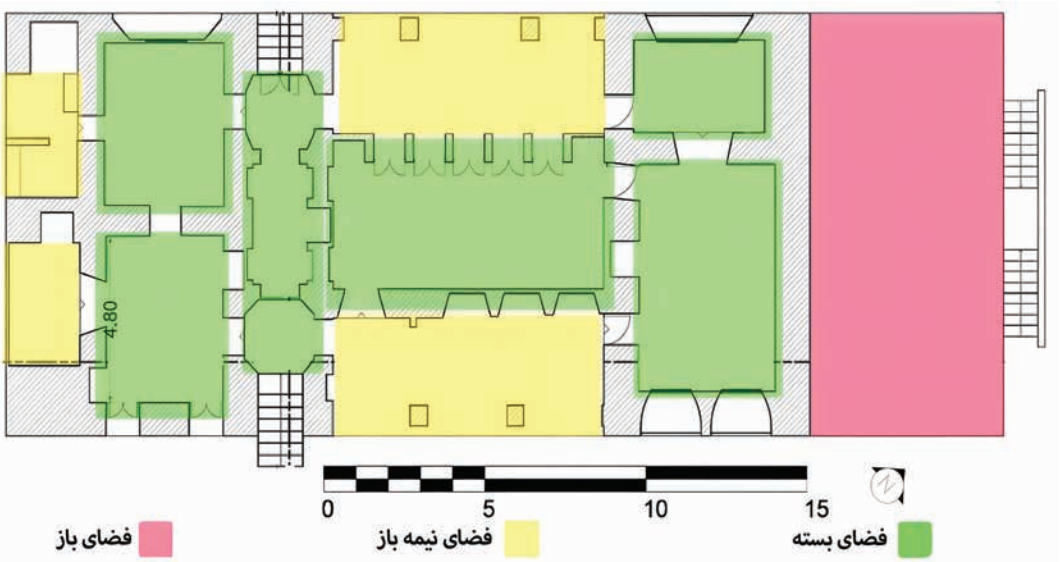

تصویر ۲۱. گردش فضایی کوشک، ترسیم: مجید حاجی‌زاده جواران

تصویر ۲۲. نمونهٔ فضای نیمه‌باز در کوشک خانه‌باغ، مأخذ: نگارنده

تصویر ۲۳. بهارخواب، نمونهٔ فضای باز در جبههٔ شرقی کوشک خانه‌باغ، دید از پشت بام، مأخذ: نگارنده

تصویر ۲۴. نمونهٔ فضای بسته و خصوصی یکی از اتاق‌های کوشک، مأخذ: نگارنده

تصویر ۲۵. نمونهٔ فضای بسته نیمه‌خصوصی- نیمه‌عمومی، مطبخ در جبههٔ جنوبی، مأخذ: نگارنده

نوع پوشش (طاق) فضاهای خانه

با در نظرگرفتن نوع اقلیم مناطق گرم و خشک کشور و شباهت بسیار زیاد ابنیه سنتی و تاریخی این مناطق به لحاظ نوع و فرم مصالح و عناصر تشکیل‌دهنده که ارتباط مستقیم با مواد و مصالح بومی مناطق کویری و اقلیم خشک آن دارد، این بنا که دارای کاربری مسکونی بوده، نیز از همان الگوها پیروی کرده است. لذا در سیستم پوششی «سقف» تمام فضاهای طبقهٔ همکف کوشک اصلی خانه‌باغ صدرمیرحسینی طاق‌هایی از نوع کرمانی استفاده شده است. لازم به ذکر است این طاق از جنبهٔ عملکردی و ساختاری بسیار به طاق آهنگ شباهت داشته و فقط در ابتدا و انتهای آن از نوعی گوشه‌سازی جهت بستن سر و ته طاق بهره گرفته شده است (تصاویر ۲۶-۲۷).

تصویر ۲۶. نمونهٔ طاق کرمانی استفاده شده در خانه‌باغ صدرمیرحسینی، مأخذ: نگارنده

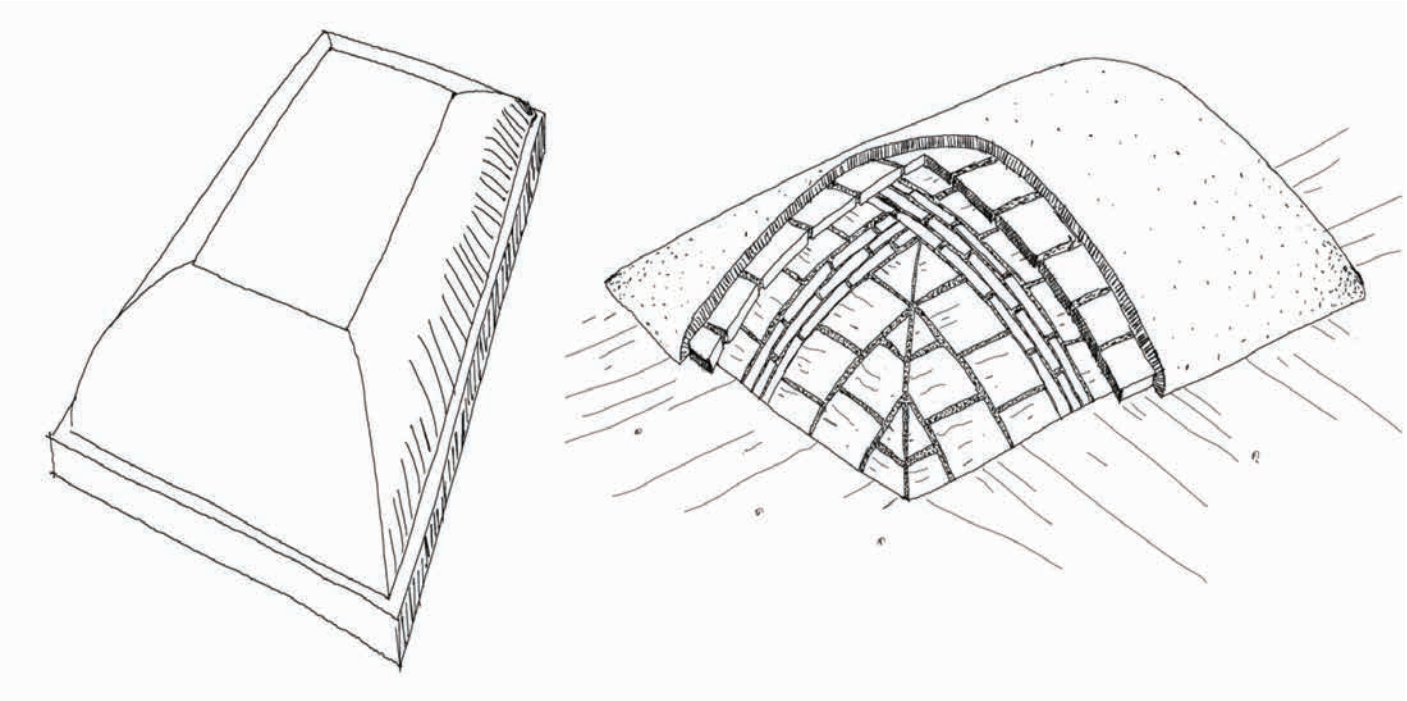

تصویر ۲۷. نمونهٔ طاق کرمانی ایوان شمالی خانه‌باغ صدرمیرحسینی، مأخذ: نگارنده

در طبقهٔ همکف در فضاهای تقسیم (هشتی)، از طاق گردچین جهت پوشش این فضاها استفاده شده و در زیر زمین کوشک اکثر طاق‌ها از نوع چهارتَرک است. پوشش فضاهای اصطبل و فضاهای خدماتی خانه نیز از نوع کرمانی است. سقف فضای گاوگرد نیز با استفاده از قوس نیم‌دایره و به‌صورت گردچین پوشیده شده، طاق کلنبو (کلمبو) در فضای مطبخ (آشپزخانه) و حمام نیز قابل ملاحظه است (تصاویر ۳۳-۲۸).

تصویر ۲۸. نمونهٔ طاق فضاهای هشتی کوشک، مأخذ: نگارنده

تصویر ۲۹. نمونهٔ طاق فضاهای زیرزمین کوشک، مأخذ: نگارنده

تصویر ۳۰. نمونه طاق فضای گاوگرد، مأخذ: نگارنده

تصویر ۳۲. نمونهٔ طاق فضای داخلی حمام، مأخذ: نگارنده

تصویر ۳۱. نمونه طاق فضای مطبخ (آشپزخانه)، مأخذ: نگارنده

تصویر ۳۳. نمایش نمونهٔ پوشش سقف (طاق) فضاهای خانه‌باغ صدرمیرحسینی، ترسیم: مجید حاجی‌زاده جواران

تزئینات

عناصر تزئینی بنای مذکور شامل موارد زیر مانند تزئینات نمای شمالی و جنوبی کوشک اصلی که در قالب نقوش آجرکاری معقلی، آلت‌چینی‌های خورشیدی بالای بازشوهای ضلع شمالی کوشک و شرفی‌های لبه بام کوشک و فضاهای جانبی خانه‌باغ می‌باشد. در رابطه با نقوش آجرکاری بنای اصلی باغ باید گفت، این نقوش شامل انواع نقوش خفته و راسته است که به‌صورت گل‌انداز نیز کار شده‌اند (تصاویر ۳۴-۳۵).

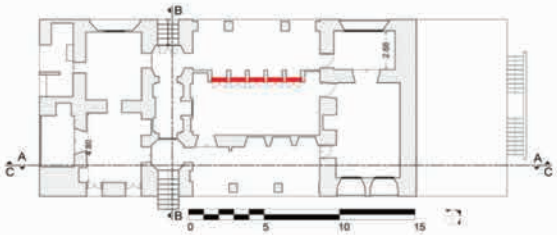

تصویر ۳۴. ترسیم نمونهٔ تزیینات چوبی و شیشه رنگی خورشیدی بالای درب‌های پنج‌دری کوشک خانه‌باغ، سال ۱۴۰۰، مأخذ: دفتر فنی ادارهٔ کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کرمان

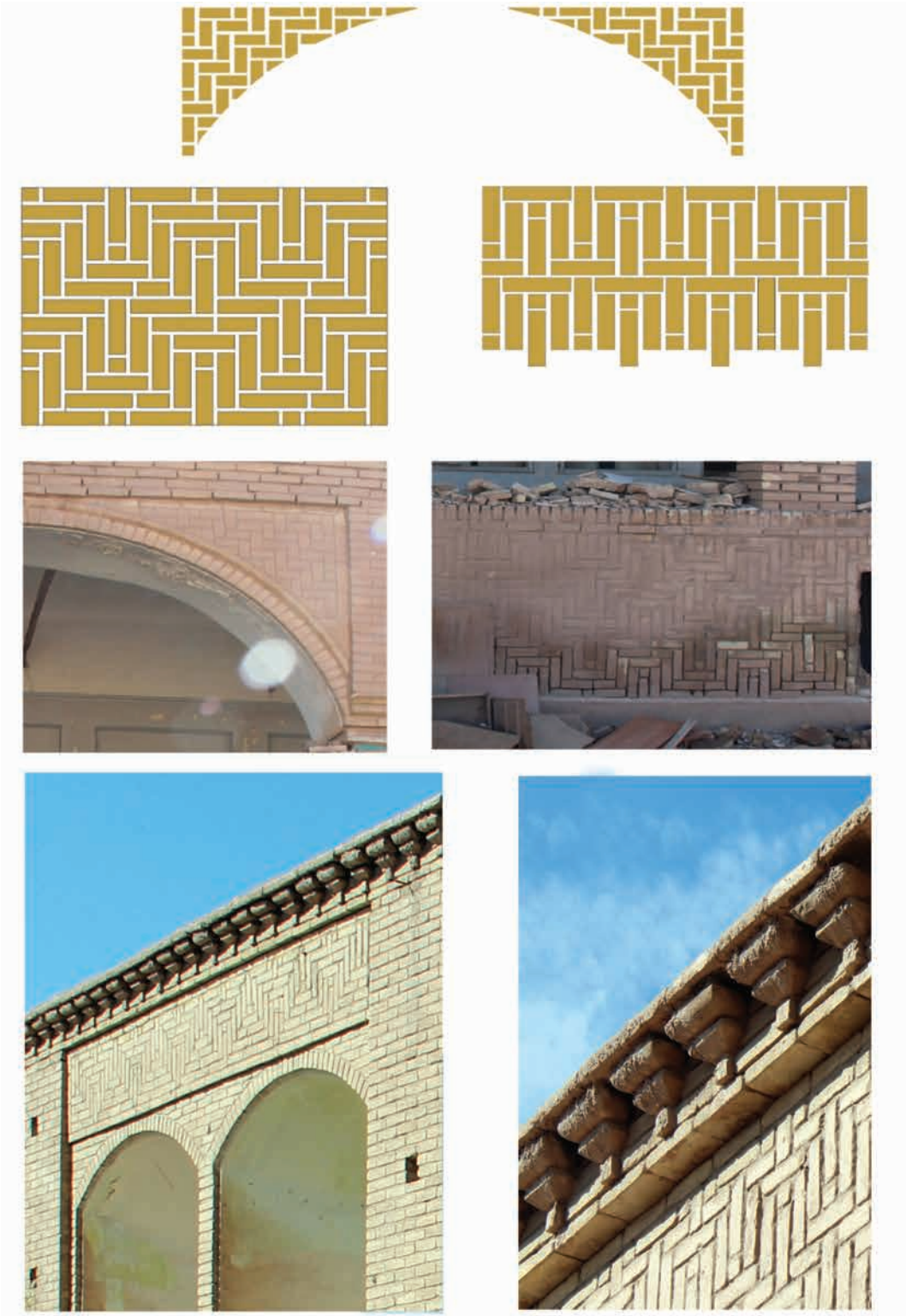

تصویر ۳۵. تزیینات آجری اجرا شده در نماهای جنوبی، شمالی و غربی کوشک خانه‌باغ،
مأخذ: دفتر فنی ادارهٔ کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کرمان

پوشش گیاهی

این بنا دارای باغی بزرگ متشکل از کرت‌بندی‌های منظم با هندسه‌ای خاص بوده که به چند باغچه تقسیم می‌شده و درون باغچه‌ها درختان متنوعی وجود داشته که اکنون تنها باغچهٔ جنوبی باقی‌مانده و اثری از درختان بخش شمالی بنا نیست. بر اساس تحقیقات میدانی مشخص شد که درختان باغ شامل درخت کاج، سرو، انار، پسته، انجیر و... می‌شده که موقعیت آنها کاملاً بر روی عکس هوایی قدیم بنا مشخص است (تصاویر ۳۶-۳۷).

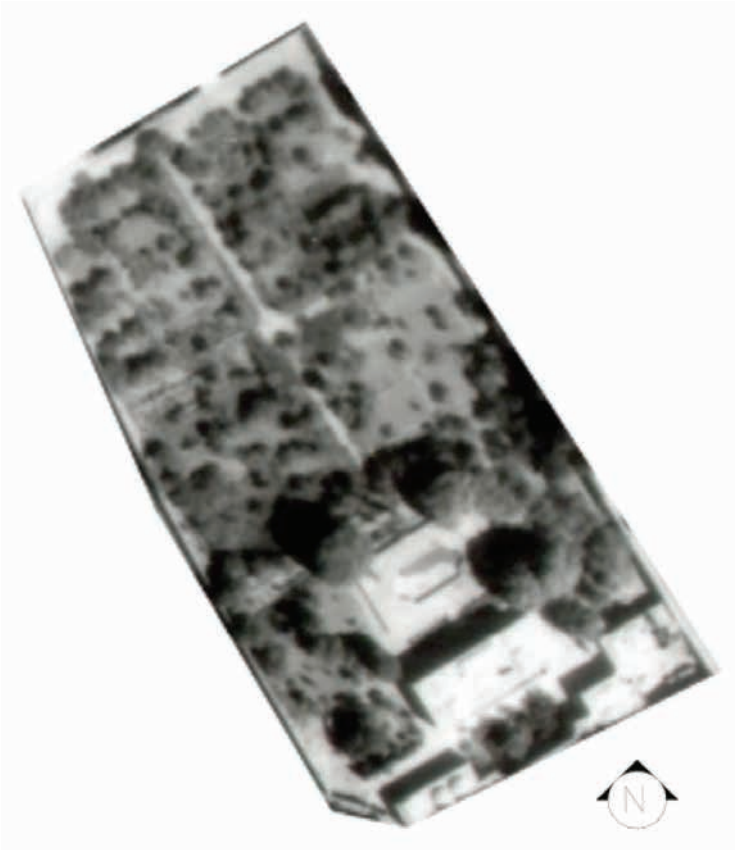

تصویر ۳۶. جدول مشخصات پوشش گیاهی خانه باغ صدرمیرحسینی، مأخذ: نگارنده، برگرفته از آرشیو سازمان نقشه‌برداری کشور

نوع و ارتفاع درختان خانه‌باغ صدر میرحسینی

نوع درخت	شکل (فرم مجازی تعریف شده)		ارتفاع در صورت موجود بودن (متر)
	پلان	نما	
کاج			–
سرو	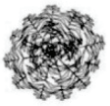		–
انار			۳/۸۰
پسته			–
موارد متفرقه (مورد، انجیر)			۴
زبان گنجشک			۵/۵۰

تصویر ۳۷. وضعیت پوشش گیاهی خانه‌باغ در عکس هوایی سال ۱۳۳۵،

مهندسی آب

مـردم قـدیم کـــرمان، بـه‌دلیل وجـود آب‌هـــای سطح‌الارضی، آب آشامیدنی خود را از طریق قنات‌ها و چاه‌ها تأمین می‌کردند. قنات‌ها در مسیر خود تنها از بعضی محل‌ها و منازل عبور می‌کردند و خانه‌ای که قنات از آن می‌گذشت، نسبت به خانه‌های دیگر ارزش بیشتری داشت، چراکه ساکنان آن می‌توانستند آب مورد نیاز خود را با زحمت کمتری به‌دست آورند بخش دیگری از آب آشامیدنی مردم از طریق چاه‌ها تأمین می‌شد و در خانه‌ها چاهی وجود داشت که آب را با «چرخ چاه» از آن بیرون می‌کشیدند.

در بعضی از خانه‌های بزرگ که دارای باغ و کشتزار بودند با وسیله‌ای به نام «چرخ گاوگرد» آب را از زمین استخراج می‌کردند که این آب، هم به مصرف کشاورزی و هم برای مصارف آشامیدن مورد استفاده قرارمی‌گرفت.

در خانه‌باغ مذکور نیز به‌دلیل وجود سطح وسیع فضای سبز و درختان پسته موجود در آن، از چرخ گاوگرد استفاده می‌شده و منبع تأمین آب موردنیاز مصرف روزانه ساکنین و آبیاری درختان بوده است. در نقاطی که سطح آب زیرزمینی پایین‌تر از حد معمول است آب چاه را با استفاده از چرخ‌هایی بالا می‌کشند که شبیه چرخ چاه‌کنی است. پره‌های این چرخ‌ها به شکل چلیپا یا استوانه‌ای بوده که میله‌ای از محور میانی آن گذشته و دسته چرخ، با یک شکستگی، به آن متصل شده است. در مواردی که استخراج آب از چاه‌ها در حجمی گسترده و به منظور آبیاری مزارع و تأمین آب مورد نیاز ساکنین و نیز احشام باشد «مثلاً در بسیاری از مناطق نیمهٔ جنوبی ایران و برای آبیاری صیفی‌کاری‌ها، استفاده از نیروی انسانی کافی نیست و بدین‌منظور از چرخ‌های مخصوص و نیروی حیواناتی چون گاو، اسب و قاطر و گاه در پاره‌ای از مناطق نیز از شتر استفاده می‌شده» این چاه‌ها به گاوگرد (دولاب) معروف است (تصویر ۳۸).

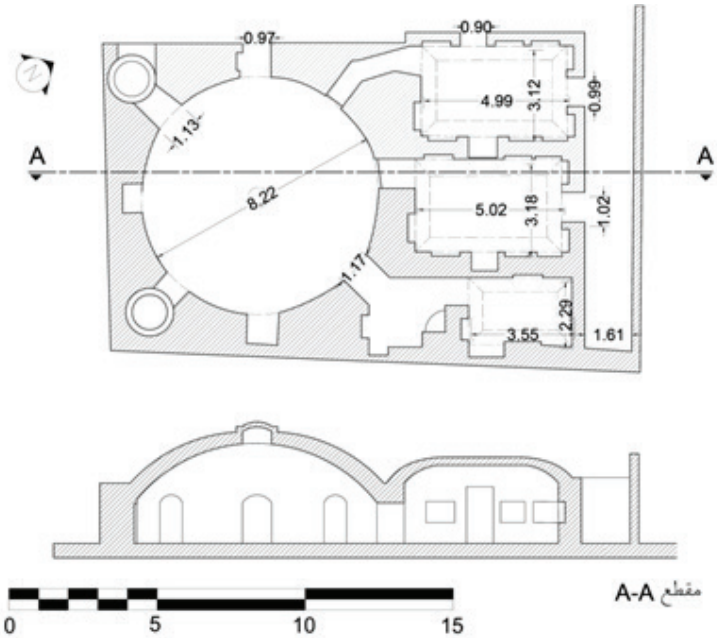

تصویر ۳۸. پلان و برش تهیه شده از فضای گاوگرد خانه باغ صدرمیرحسینی، سال ۱۴۰۰، مأخذ: دفتر فنی ادارهٔ کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کرمان

ویژگی‌های کالبدی

برخی از ویژگی‌های کالبدی شاخص خانه‌باغ صدرمیرحسینی به شرح ذیل است:

- مرکزیت بنای کوشک در جنوب باغ، جهت تأکید بر محوریت و مرکزیت آن در ساختار فضایی خانه‌باغ.
- مقاوم بودن بنا با توجه به دو طبقه بودن آن (زیرزمین و همکف) در برابر حوادث طبیعی و محیطی.
- بهره‌گیری از تناسبات کمی و کیفی خاص معماری اصیل ایرانی در نما و پلان.
- جهت‌گیری مناسب کوشک بر اساس رون غالب منطقه «رون کرمانی»، جهت بهره‌گیری از باد و نور مطلوب در فصول مختلف سال.
- جانمایی بازشوها در عمق درگاهی‌ها، جهت کاهش میزان ورود نور به داخل در فصل تابستان.
- ساخت بنا به‌صورت دو سطحی (زیرزمین و همکف)، به‌جهت کاهش تأثیر تغییرات دما در شبانه‌روز.
- بهره‌گیری از تقارن محوری در نما (تصویر ۳۹).

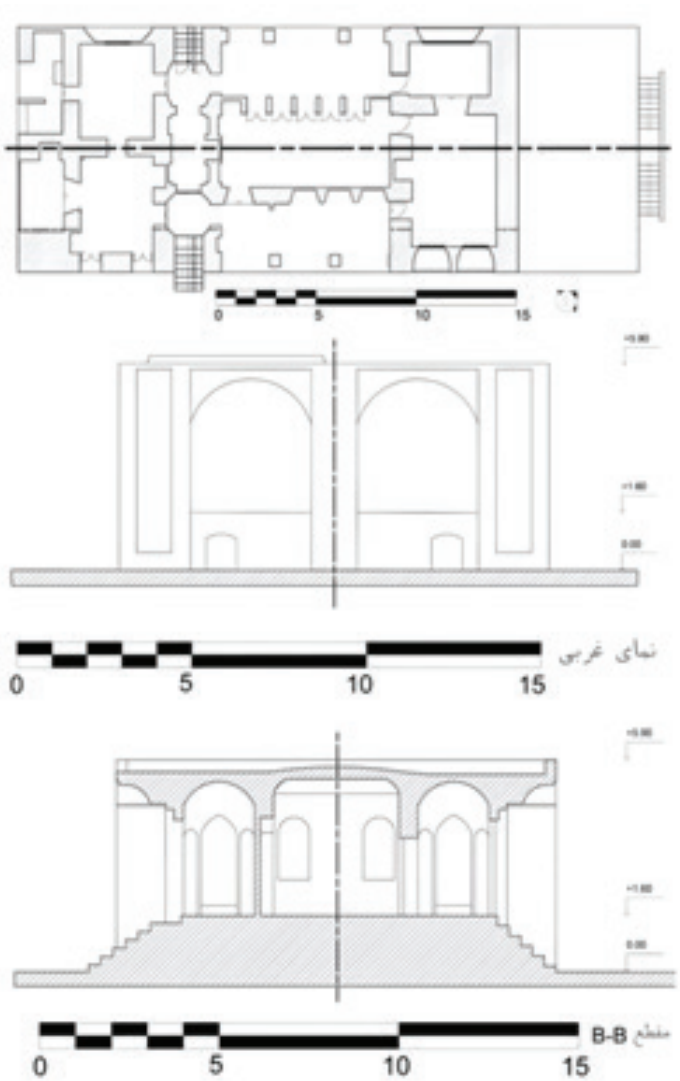

تصویر ۳۹. نمایش بهره‌گیری از تقارن در ساختمان که در نما، برش و پلان کوشک خانه‌باغ به وضوح قابل مشاهده است، ترسیم: مجید حاجی‌زاده جواران.

- بهره‌گیری از حمام و چاه‌گاوگرد.
- بهره‌گیری از مصالح بوم‌آورد و تکنیک‌های ساخت بومی، جهت همگون‌سازی با محیط پیرامون و اقلیم خاص منطقه و همچنین ساده نمودن فعالیت‌های تعمیر و نگهداری برای ساکنین، در زمان استفاده از بنا.
- بهره‌گیری مناسب از دو عنصر آب و فضای سبز در کنار هم به‌منظور نزدیک‌تر نمودن فضاهای کالبدی داخل و خارج کوشک با طبیعت به لحاظ تأثیر روانی و معنایی.
- توجه به حریم خصوصی و نیمه‌خصوصی در فضاهای داخلی علی‌رغم الگوی برونگرای کوشک مرکزی بنا.
- دانه‌بندی اجزاء تشکیل دهنده کالبد بنا به‌گونه‌ایست که پیوستگی و هم‌پیوندی را در کلیت ساختار خود حفظ کرده است.
- رعایت سلسله مراتب جهت دسترسی به فضاهای اصلی و پیرامونی بنا.
- رعایت تناسبات و مقیاس‌های انسانی در طراحی فضاهای اصلی و جانبی.

نتیجه‌گیری

خانه‌باغ صدرمیرحسینی از آثار شاخص معماری در کرمان، مربوط به دورهٔ پهلوی اول به‌شمار می‌رود که ویژگی‌های قابل توجهی دارد. کوشک (ساختمان اصلی) این خانه‌باغ به‌صورت بنایی منفرد و مستقل از دیگر فضاها، چهار نمای مستقل دارد که توجه به موقعیت زمین بسترِ شکل‌گیری آن در مناسب‌ترین موقعیت مکانی قرارگرفته و سطح اندکی از کل فضای باغ را اشغال می‌کند و به‌نحوی ساخته شده که دید و منظر ایده‌آلی نسبت به حوض آب و باغ جلوی آن دارد. تنوع فضاهای داخلی و نیز بهره‌گیری از تقارن در زمین و پلان بنا، از دیگر ویژگی‌های بارز این خانه‌باغ است.

طبق بررسی‌های صورت‌گرفته بر روی شکل و فرم و تناسبات فضایی خانه‌باغ‌های همجوار نمونه مورد مطالعه، ساختار فضایی این خانه‌باغ طبق الگوهای به‌دست آمده، از نوع (D)، «کوشک در ابتدای زمین است» و سایر فضاهای سرپوشیده خدماتی نیز در جبهه جنوبی باغ و کوشک اصلی قرارگرفته‌اند (تصویر ۴۰).

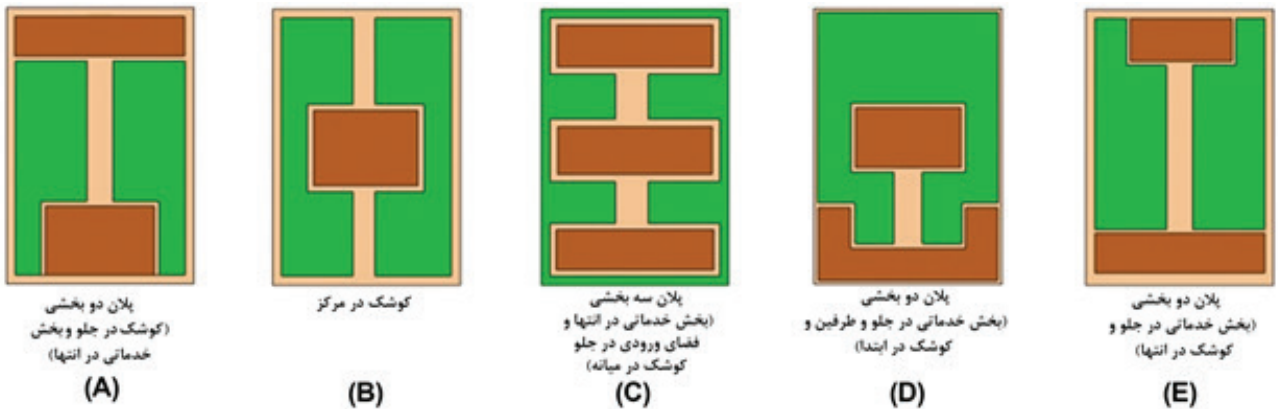

تصویر ۴۰. نمایش الگوی ساخت خانه‌باغ‌های موجود در محدوده موضوع مورد پژوهش، مأخذ: نگارنده

کتابنامه

آرشیو دفتر فنی، ادارهٔ کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کرمان.

سلیمانی روزبهانی، پیمان (۱۳۹۸). «خانه‌باغ فریدون سروشیان در کرمان»، گلستان هنر، ش ۱۸، ص ۳۳-۲۴.

نعیما، غلامرضا (۱۳۸۵). باغ‌های ایران، تهران: انتشارات پیام.

وزیری کرمانی، احمدعلی‌خان (۱۳۶۴). تاریخ کرمان، ج اول، چ سوم، تهران: انتشارات علمی.

سایت خبری تحلیلی یک صفحه.

سایت Google map

http://www.yeksafe.com/index.php/cultural/1167-ronamyi1

فاطمه بنویدی[1]

مطالعهٔ تطبیقی وضعیت آموزش هنر در دورهٔ عمومی در ایران و سه کشور اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۳/۲۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۷/۱۵

چکیده

یکی از مسائل مهمی که در نظام آموزش عمومی کشور از آن غفلت شده «آموزش هنر در دورهٔ عمومی با تمرکز بر مقطع ابتدایی و متوسطه اول» است. از دید صاحب‌نظران، این مقطع تحصیلی مهم‌ترین مقطع برای آموزش است چراکه ذوق و سلیقه زیبایی‌شناسی و هنری کودکان شکل می‌گیرد. هدف اصلی این پژوهش مطالعه تطبیقی وضعیت آموزش هنر در دورهٔ عمومی در ایران و سه کشور اسلامی (عربستان، قطر و عراق) است. برای رسیدن به این هدف اولین گام نشان دادن جایگاه تربیت زیبایی‌شناختی بر اساس اسناد بالادستی موجود است که برای این منظور از روش پژوهش توصیفی- تحلیلی استفاده شده است. با اینکه این نوع تربیت یکی از ساحت‌های شش‌گانهٔ تربیت در سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش است. اما سؤال این است برای رسیدن به هدفِ شناخت، پرورش و هدایت ذوق و استعدادهای مختلف هنری و زیبایی‌شناسی؛ چه میزان برنامه‌ریزی صورت گرفته است؟ آموزش هنر در دورهٔ عمومی با چه چالش‌هایی روبه‌رو است؟ و چه توصیه‌های سیاستی در آموزش‌وپرورش برای ارتقا کیفیت آموزش هنر در دروهٔ عمومی باید مورد توجه قرار بگیرد؟ کشورهای اسلامی در این زمینه چگونه عمل می‌کنند؟ یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که امروزه در مدارس و مراکز آموزشی کشورمان تربیت هنری به جد گرفته نمی‌شود و در برنامه‌های درسی، هنر از جایگاه مناسب و شایسته‌ای برخوردار نیست. درس هنر در نظام آموزشی ما از سه طرف مورد بی‌مهری قرارگرفته است: آموزش‌وپرورش، مدرسه و خانواده. دیگر اینکه اثربخشی نظام تعلیم‌وتربیت در هر جامعه به اثربخشی معلمان آن بستگی دارد. چراکه اهداف، برنامه‌ها، محتواهای آموزشی و روش‌های یاددهی- یادگیری، همگی باید به دست توانای معلمان اثربخش در عرصهٔ واقعی کلاس درس به اجرا درآید. به‌طور کلی بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد در کشورهای انتخاب شده در پژوهش حاضر رشته‌های هنری که در برنامه درسی هنر گنجانده شده‌اند عبارت‌اند از: طراحی، نقاشی، کاردستی، عکاسی، معماری، هنرهای نمایشی، موسیقی، رسانه‌های ترکیبی، هنرهای گرافیکی، نساجی، مجسمه‌سازی، سفالگری، ویدئو آرت و هنر رایانه‌ای. بنابراین تفکر امروزی درباره هنر و زیبایی‌شناسی به‌منزلهٔ هستهٔ اصلی برنامه درسی یا اصلاح نظام آموزشی است. حتی اگر آموزش هنر به نوآوری و مهارت‌های بهبودیافته‌ای که با روش‌های کمّی قابل‌اندازه‌گیری است نینجامد، می‌بایست جایگاه مهمی در مدارس و برنامه‌های درسی داشته باشد. فراموش نکنیم که برنامه درسی بدون تربیت زیبایی‌شناختی و ارزش‌گذاری مناسب برای هنرها از اهداف مبتنی بر پرورش انسان های شکوفا دور خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: آموزش هنر، ایران، دورهٔ عمومی، عراق، عربستان، قطر.

مقدمه

برنامه‌های آموزشی و درسی از مهم‌ترین عناصر در نظام آموزش‌وپرورش‌اند که سهل‌انگاری در آنها، بر جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اخلاقی جامعه زیان وارد می‌کند. یکی از وظایف مهم نظام آموزش‌وپرورش، انتقال آشنایی با میراث فرهنگی و پرورش افراد خلاق و در نهایت متخصص برای ایجاد یك جامعهٔ پویا و پیشرفته است. اگر این برنامه‌ها واقع‌بینانه و صحیح طراحی و اجرا نشوند، بدون شك بر معضلات جامعه می‌افزایند و در نتیجه استعدادها تباه می‌شود. در این میان، نقش هنر در آموزش‌وپرورش به دلیل پرورش افراد خلاق و مبتکر نمی‌توان کم انگاشت. هیچ دستگاه دست‌اندرکار تربیت، نمی‌تواند به‌راحتی از کنار این نقش مهم بگذرد؛ زیرا هریك راه‌هایی است که استعدادها را شکوفا می‌کند؛ به همین دلیل می‌توان تأثیر مثبت آموزش هنر را در تمام جنبه‌های مختلف زندگی مشاهده کرد. تعلیم‌وتربیت کودکان و نوجوانان، تقویت قوه تخیل و خلاقیت، آموزش مفاهیم و ارزش‌های فرهنگی جامعه، کاهش ناراحتی‌ها و آشفتگی‌های روحی و روانی از دستاوردهای آموزش هنرند (Schirrmacher, 1998: Sharp, 2000). سیری در تاریخ هنر نشان می‌دهد که رویکردهای متفاوتی در آموزش هنر مطرح بوده است. یکی از این رویکردها که بیانگر پرورش قابلیت‌های زیبایی‌شناختی دانش‌آموزان هست، رویکرد زیبایی‌شناختی و

۱. عضو هیئت علمی فرهنگستان هنر، تهران، ایران. benvidi@honar.ac.ir

تربیت هنری است (پگ و ایوان، ۱۳۹۰؛ امینی،۱۳۹۷، مریلین جی، ۱۳۹۹). با اینکه این نوع تربیت یکی از ساحت‌های شش‌گانهٔ تربیت در سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش است، اما امروزه در مدارس و مراکز آموزشی کشورمان تربیت هنری به جد گرفته نمی‌شود و در برنامه‌های درسی، هنر از جایگاه مناسب و شایسته‌ای برخوردار نیست. تحقیقاتی که تاکنون در زمینهٔ درس هنر انجام‌شده است، همگی به وجود مسائل و موانعی در این راه تأکید می‌کنند؛ مشکلاتی که باعث شده است هنر جایگاه واقعی خود را در میان دیگر درس‌ها به دست نیاورده باشد.

در حال حاضر یکی از مسائل مهمی که در نظام آموزش عمومی کشور از آن غفلت شده «آموزش هنر در دورهٔ عمومی با تمرکز بر مقطع ابتدایی و متوسطه اول» است. از دید صاحب‌نظران، این مقطعِ تحصیلی مهم‌ترین مقطع برای آموزش است چراکه ذوق و سلیقه زیبایی‌شناسی و هنری کودکان شکل می‌گیرد (Flory, 2021; Resis & Whit, 2013). همچنین با توجه به بیانیه یونسکو در سال ۲۰۰۶، جوامع نیازمند شهروندانی برخوردار از هوش‌های منعطف، قابل‌اعتماد و نیز مهارت‌های خلاق کلامی و غیرکلامی ارتباطی، تفکر انتقادی و تخیلی، فهم میان فرهنگی و تعهد همدلانه نسبت به تنوع فرهنگی است. دستیابی به قابلیت‌های شخصی یادشده از طریق فرایند یادگیری و کاربست زبان‌های هنری میسّر و تسهیل‌کننده است. ازاین‌رو، تربیت زیبایی‌شناختی و هنری در رشد مهارت‌های تفکر، خلاقیت، شکل‌دهی ارزش‌ها و رویکردهای افراد مفید و مؤثر ارزیابی‌شده است.

لازم به ذکر است درحالی‌که صاحب‌نظران تعلیم‌وتربیت ازجمله رابینسون (۲۰۰۵) به اهمیت هنر در جامعهٔ دانایی محور توجه کرده است، اما در اکثر نظام‌های آموزشی سراسر جهان هنر در حاشیه قرار دارد. هنر درس اختیاری است و جایگاه مهمی ندارد. هنر عنصری برای آماده‌سازی تعلیم‌وتربیت محسوب نمی‌شود. ویلسون یکی دیگر از صاحب‌نظران تعلیم‌وتربیت (۲۰۰۵) دربارهٔ نقش معلم و دانش آنها دربارهٔ هنر معتقد است: «تدریس خوب در تربیت هنری به دانش‌آموزان کمک می‌کند که دنیای نمادین اطراف خود را درک کنند، بسازند و با آن کارکنند» (مهرمحمدی و کیان، ۱۳۹۳: ۹).

مهرمحمدی (۱۳۸۱) در مطالعه‌ای نظری با عنوان «تربیت هنری در ایران، بازشناسی حوزهٔ مغفول»، به بررسی و نقد وضعیت موجود آموزش هنر دورهٔ ابتدایی ایران و ارائه راهکارهایی برای بهبود آن پرداخته است. این مطالعه نشان می‌دهد برنامهٔ درسی هنر در نظام آموزشی ایران از دو ناهنجاری شدید رنج می‌برد: «اول، تلقی هنر به‌عنوان موضوع درسی مجزا که آن را به برنامهٔ درسی مغفول تبدیل کرده است. به این معنا که تربیت هنری به‌طورکلی از موضوع‌های مورد غفلت سیاست‌گذاران آموزش ابتدایی بوده است. دوم، وجود برنامهٔ درسی مغفول پنهان در تربیت هنری. به این معنا که تربیت هنری در نظام آموزشی ایران نسبت به شرایط متحول اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، علمی جامعه ـ اعم از جامعهٔ محلی، ملی و بین‌المللی ـ پاسخگو نیست. درحالی‌که زمان اختصاص‌یافته به درس هنر در کشورهای دیگر بیشتر است» (مهرمحمدی، ۱۳۹۸). پژوهشی دیگر توسط شرفی (۱۳۸۸) با عنوان «تحلیل و نقدی بر برنامهٔ درسی هنر دورهٔ ابتدایی ایران درگذشته و وضع موجود» انجام شده که به مقایسه بررسی برنامه درسی جدید و قدیم پرداخته است.

ازاین‌رو، ناگفته نماند که در نظام آموزشی ایران در سال ۱۳۸۷ دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی تصمیم گرفت با طراحی برنامهٔ درسی جدیدی برای درس هنر به وضعیت نابه‌سامان آموزش هنر

در دورهٔ ابتدایی سامان بخشد که حاصل فعالیت و بررسی‌های علمی و کارشناسی دیگری که در این گروه انجام شد منجر به طراحی راهنمای برنامهٔ درسی هنر دورهٔ ابتدایی شد (مهرمحمدی، ۱۳۹۰). اکنون برنامهٔ درسی جدید هنر دورهٔ ابتدایی دارای دو کتاب راهنمای معلم برنامهٔ درسی دورهٔ اول ابتدایی (پایه‌های اول، دوم، سوم) (نواب صفوی و همکاران، ۱۳۸۵) و دورهٔ دوم ابتدایی (پایه‌های چهارم، پنجم، ششم) برای معلمان است (آیت‌اللهی و همکاران، ۱۳۹۱).

بررسی اسناد بالادستی (اسنادِ پشتوانه علمی سند حاکمیتی هنر (۱۳۹۴)؛ نقد سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش، پرنیان (۱۳۹۷))، حاکی از آن است که اتخاذ تصمیمات سیاستی برای تحول در آموزش‌وپرورش نیازمند فهم مشترک میان مجریان و سیاست‌پژوهان است. تحلیل مفهومی «تربیت» در «سند مبانی نظری تحول بنیادین نظام تعلیم‌وتربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران» (۱۳۹۰) نشان می‌دهد که «تربیت» امری یک‌سویه از جانب مجریان نیست. تربیت در این سند متضمن نوعی تلقی است که مشارکت دانش‌آموز و خانواده در امر تحول را ضروری می‌داند. به عبارتی، بر اساس تحلیل مفهومی«تربیت» در این سند مشخص می‌شود که تربیتِ مطلوب نمی‌تواند با تصمیمات و اقدامات یک‌جانبه ازسوی مدیران محقق گردد.

همچنین «مشارکت مردمی در تحول بنیادین بدون داشتن تصوری ازآموزش‌وپرورش مطلوب و نیز بدون آگاهی ازوجود شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب بعید می‌نماید. علاوه بر شناخت شاگردان و والدین ایشان ازوضعیت موجود و مطلوبِ تربیت به‌عنوان شرط ضروری تحول باید به انتخابی بودن مشارکت ایشان به‌عنوان شرط دوم اشاره نمود. چنانچه سیاست‌گذاران در تصمیمات خود این عنصررا درنظرنگیرند لاجرم دردام اقداماتی یک‌سویه خواهند افتاد؛ اقداماتی که مشارکت مردمی از پیش مفروض گرفته می‌شود» (خواجه جوزم، ۱۳۹۲: ۶۵).

بنابراین اولاً تحقق تربیتِ مطلوب نیازمند مشارکت متربّی و خانواده اوست و اقدامات یک‌جانبه ازسوی مجریان به مشارکت فعال ایشان منجر نخواهد شد. ثانیاً مشارکت فعال دانش‌آموزان ووالدین نیزدرگِروشناخت وانتخاب ایشان است.

در نتیجه، با توجه به آنچه گفته شد، نقش مهم هنر در برنامهٔ درسی و جایگاه شایسته‌اش در مدارس بسیار ضروری است. برای این کار شناختِ موانع و محدودیت‌های رسیدن به آن در اولویت است تا بتوان از این مسیر و تکیه بر نتایج تحقیق، مسئولان و برنامه‌ریزان درسی را برای تغییر و بهبود تصمیم‌سازی یاری کرد. این پژوهش نیز باهدف شناخت این موانع و محدودیت‌ها انجام‌شده است.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی، تحلیلی و کاربردی است که با استفاده از اسناد و مدارک کتابخانه‌ای، گزارش‌های تحقیقی، پژوهش‌های بنیادین پیشین وجست‌وجودرپایگاه‌های اینترنتی مرتبط و پایگاه‌های اینترنتی وزارت آموزش‌وپرورش کشورهای مورد مطالعه تدوین شده است و برای فراهم کردن بستری مناسب برای افزایش تأثیر هنر در آموزش‌وپرورش تلاش می‌کند. در این پژوهش ضمن مطالعه کتاب‌ها و مقالاتی که دربارهٔ اهمیت آموزش هنر در دورهٔ عمومی نوشته‌شده‌اند، از مطالب مورد نیاز فیش‌برداری شده است و بر اساس پرسش‌های پژوهش، مقوله‌هایی که باید به‌صورت اطلاعاتی گردآوری شوند و قسمت‌هایی از محتوا که باید مورد تأویل و تفسیر قرار گیرند، مشخص‌شده است. فرایند نگارش تحقیق از سه مرحلهٔ توصیف

و دسته‌بندی، تجزیه‌وتحلیل تشکیل‌شده است. در مرحلهٔ اول به شرح و طبقه‌بندی داده‌های به‌دست‌آمده از طریق مطالعات کتابخانه‌ای پرداخته‌شده است. در مرحلهٔ بعدی هرکدام از این داده‌ها موردبررسی گرفته است و درنهایت نتایج به‌دست‌آمده مورد مقایسه‌ای تطبیقی قرارگرفته تا نتایج کلی و نهایی پژوهش به دست بیاید.

سؤال‌های تحقیق

پرسش‌های اصلی این پژوهش این است که با توجه به الگوی نهادی و با توجه به اینکه یکی از ساحت‌های تربیتی در سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش تربیت زیبایی‌شناختی است، آموزش هنر در سطح عمومی و رسمی در کشور با چه چالش‌هایی روبه‌روست؟ و راه‌حل‌های سیاستی مطلوب برای چالش‌های آن چیست؟

اهداف جزئی این تحقیق عبارت‌اند از:

۱. بررسی و تشخیص عوامل بازدارنده در محیط آموزشی و مدرسه که بر آموزش صحیح درس هنر، تأثیر نامعلومی دارند.
۲. ارائه به معلمان هنر، دانش‌آموزان، والدین و برنامه‌ریزان کتب درسی و کسانی که با آموزش این درس در ارتباط‌اند.

این پژوهش برای تحقق این اهداف و با اتکا به اسناد بالادستی، وضعیت‌شناسی و آسیب‌شناسی آموزش هنر در دورهٔ عمومی را در دستور کار خود قرار داده است تا با ارائه پیشنهادهای مناسب و کاربردی در بهبود شرایط آموزش هنرِ کشور مؤثر واقع شود. ازاین‌رو، در ادامه با توجه به اسناد بالادستی ابتدا به چالش‌هایی که آموزش هنر در دورهٔ عمومی با آن روبه‌روست پرداخته، سپس به اهداف آموزش هنر در کشورهای اسلامی (عربستان، قطر و عراق) بر اساس منابع در دسترس پرداخته می‌شود؛ درنهایت، راه‌حل‌های سیاستی مطلوب برای چالش‌ها ارائه خواهد شد.

۱. تبیین وضعیت موجود

به لحاظ تاریخی در نظام آموزش‌وپرورش ایران، هنر همواره زمینه‌ای جانبی، حاشیه‌ای و فاقد اهمیت اساسی شناخته شده است. هنر به‌عنوان یک موضوع درسی حائز اهمیت و دارای اولویت که نظام‌های آموزشی باید برای پرورش قابلیت‌های مربوط به آن سرمایه‌گذاری کنند، معرفی نشده است. هنر درسی است، از حیث مضمون و دشواری، هم‌تراز با سایر علوم؛ اما چون نتیجهٔ عینی و آشکاری مانند آموزش خواندن و نوشتن نداشته است، مورد سطحی‌نگری واقع شده و بی‌برنامه رها شده است. در واقع بخشی از مشکلات نظری تربیت هنری در نظام آموزشی ما، متأثر از این تصور است که قلمرو فرعی هنر، فاقد اهمیت لازم برای تنظیم و تدوین برنامه‌ریزی هدف‌مندی است. ازاین‌رو، در این بخش علاوه بر اسناد بالادستی از کتاب‌های درسی، کتاب‌های دانشگاهی و مقالات استفاده شده است که نشان‌دهندهٔ وضعیت هنر در مدارس هست. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که ارتقا آموزش هنر در سه بخش مطرح می‌شود: نقش معلمین، نقش والدین و نقش محیط‌های آموزشی که مهم‌ترین آنها مدرسه، دانشگاه و رسانه‌ها هستند. هدف این بخش شناسایی چالش‌های این سه بخش و معضلات کنونی آموزش هنر در دورهٔ عمومی است.

نقاط قوت و ضعف آموزش هنر در دورهٔ عمومی

الف: نقاط قوت

علاوه بر حرکتی که در سال ۱۳۷۹ در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به‌منظور احیای آموزش هنر آغازشده است، در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش هم یکی از ساحت‌های شش‌گانه تربیتی ساحت تربیت زیبایی‌شناختی است. در این سند زمینه توجه متعادل و متوازن به ابعاد چهارگانه هنری (تولید هنر، تاریخ هنر، نقد هنر و زیبایی‌شناسی) فراهم‌شده است. اقدامات گسترده‌ای که با طراحی برنامه درسی جدید برای آموزش هنر در دورهٔ ابتدایی آغازشده است مدخل مناسبی برای ایجاد تحول در آموزش هنر به‌حساب می‌آید، اما این تغییرات کافی نیست.

ب: نقاط ضعف

❖ **آموزش‌وپرورش**

۱. کمبود ساعات اختصاص داده‌شده به آموزش هنر؛ براساس مطالعات تطبیقی انجام شده برخلاف بسیاری از کشورهای جهان، در ایران کمترین ساعت تدریس به درس هنر اختصاص دارد و میزان آن دو ساعت در هفته است که البته این ساعت صرف دیگر دروس می‌شود. درحالی‌که صاحب‌نظران برنامه درسی معتقدند؛ ساعت تدریس هنر باید بین ۳ تا ۴ ساعت در هفته باشد. در ایران از ۲۸ ساعت آموزشی، حدود شش درصد به درس هنر اختصاص دارد. (غنی پارسا، ۱۳۹۰: ۲۰). درحالی‌که زمان اختصاص‌یافته به درس هنر در کشورهای دیگر بیشتر است. برای نمونه: (مهرمحمدی، ۱۳۹۸: ۲۱۳-۱۹۱).

ردیف	نام کشور	زمان اختصاص‌یافته
۱	ایران	پایه‌های اول تا سوم ۲ ساعت در هفته پایه‌های چهارم تا ششم ۱/۵ در هفته
۲	اتریش	پایه‌های اول و دوم: ۹۵ ساعت در سال (۲/۵ ساعت در هفته) پایه‌های سوم و چهارم: ۱۲۷ ساعت در سال (۳/۵ ساعت در هفته) پایه‌های پنجم و ششم: ۱۵۸ ساعت در سال (۴ ساعت در هفته)
۳	استرالیا	۱ تا ۲/۵ ساعت در هفته
۴	امریکا	۱۰۰ دقیقه در هفته (۲ جلسه در هفته)
۵	آلمان	پایه‌های اول و دوم: ۳/۵ ساعت در هفته پایه‌های سوم تا ششم: ۴ ساعت در هفته
۶	ژاپن	هنر و کاردستی: ۶۰ ساعت در سال موسیقی : ۶۰ ساعت در سال (درمجموع۳ ساعت در هفته)
۷	لهستان	هنرهای تجسمی: ۲ ساعت در هفته هنرهای نمایشی: ۲ ساعت در هفته (درمجموع ۴ ساعت در هفته)
۸	نروژ	هنرهای دستی: ۶۸ ساعت در سال موسیقی: ۴۰ ساعت در سال (درمجموع۳ ساعت در هفته)
۹	یونان	هنرهای تجسمی: ۶۰ ساعت در سال موسیقی: ۲۸ ساعت در سال نمایش: ۳۰ ساعت در سال زیبایی‌شناسی: ۸۸ ساعت در سال (درمجموع۶ ساعت در هفته)

۱۰	فرانسه	هنرهای تجسمی، موسیقی، تاریخ هنر ۸۱ ساعت در سال (دوره اول) ۷۸ ساعت در سال (دوره دوم) ۲۰ ساعت در سال تاریخ هنر.
۱۱	ایتالیا	هنر و تصویر، آموزش زیبایی‌شناختی. ۲ ساعت در هفته برای آموزش زیبایی‌شناسی ۲ ساعت برای هنر و تصویر
۱۲	پرتغال	آموزش هنری، ۲ ساعت در هفته آموزش تصویری ۲ ساعت در هفته آموزش صنایع‌دستی ۲ ساعت در هفته آموزش تصویری: ۲ ساعت در هفته آموزش صنایع‌دستی: ۲ ساعت در هفته درام/ موسیقی: ۱ ساعت در هفته
۱۳	اسپانیا	تجسمی ، موسیقی، رقص، طراحی ۳۱۰ ساعت در سال در ابتدایی (دوره اول) ۱۷۰ ساعت (دوره دوم و سوم) ۷۰ ساعت در سال در دوره متوسطه (دوره اول) و ۳۵ ساعت (دوره دوم)
۱۴	عربستان سعودی	میراث باستان‌شناسی، معماری، خوشنویسی، مؤسسات فرهنگی، موسیقی عامیانه و رقص، شعر، میراث و فرهنگ و لباس و جواهرات سنتی ۲ ساعت در هفته
۱۵	امارات	هنر موسیقی، هنرهای نمایشی و هنرهای خلاق ۲ ساعت در هفته
۱۶	عمان	تجسمی، موسیقی، تفکر نقادانه ۲ ساعت در هفته
۱۷	قطر	هنرهای نمایشی، موسیقی و نویسندگی خلاق، تفکر نقادانه، هنرهای تجسمی، نقاشی، عکاسی ۴ تا ۶ ساله: ۷۵ دقیقه موسیقی، یک ساعت هم هنرهای دیگر ۷ ساله: یک ساعت و نیم ۸ ساله: یک ساعت و نیم ۹ ساله : دو ساعت ۱۰ ساله: هنر اختیاری است اما مدت آن ۲ ساعت و نیم ۱۱ ساله: هنر اختیاری است اما مدت آن ۲ ساعت و نیم
۱۸	عراق	هنرهای تجسمی، صنایع‌دستی، موسیقی، نمایش ۲ ساعت در هفته

۲. کمبود منابع و امکانات آموزشی؛
۳. ضعف رویکرد تلفیقی در برنامه درسی جدید هنر؛ (مهرمحمدی، ۱۳۹۸، Zhou, 2015).
۴. نیاز به تجدیدنظر به رویکرد طراحی برنامه درسی جدید در چهارچوب رویکرد دیسیپلین محوری، به‌گونه‌ای که زمینه توجه متعادل و متوازن به ابعاد چهارگانه هنری (تولید هنر، نقد هنر، تاریخ هنر، زیبایی‌شناسی) فراهم شود. در حال حاضر بیشتر تمرکز بر روی تولید هنری است.
۵. عدم توجه به سیاست چند فرهنگی؛ (مهرمحمدی، ۱۳۹۸).
۶. پوشش ناکافی به رشته‌های مختلف هنری در

برنامهٔ درسی موجود.

۷. حذف عملی درس هنر از برنامه درسی دورهٔ دوم آموزش متوسطه (شاخه نظری).

۸. عدم آشنایی معلمان دروس دیگر به جنبه‌های مختلف کارهای هنری در زنگ هنر (ذوالفقاریان و کیان، ۱۳۹۳)؛

۹. فقدان الگوی مطلوب برنامه درسی هنر در مقطع ابتدایی (کیان و مهرمحمدی، ۱۳۹۲)؛

۱۰. عدم تأمین نیروی متخصص در آموزش هنر؛

۱۱. عدم استفاده از فارغ‌التحصیلان رشته هنر؛

ازآنجاکه هرسال دانشجویان هنر در رشته‌های مختلف هنری دانش‌آموخته می‌شوند، متأسفانه هیچ سازوکاری در آموزش‌وپرورش وجود ندارد تا از این دانش‌آموختگان و حتی از سازمان‌های هنری استفاده شود.

۱۲. فقدان کتاب آموزش هنر در مقطع ابتدایی؛

۱۳. در مورد کتاب فرهنگ و هنر در دورهٔ متوسطه اول، تناسبی بین حجم کتاب فرهنگ و هنر با ساعت‌های آموزشی تعیین‌شده در هفته وجود ندارد. همچنین تمام گرایش‌های هنر در این کتاب وجود دارد و تمرین‌ها به هم مرتبط نیستند (صابری، ۱۳۹۴).

۱۴. فقدان حضور مدرسین هنر در تألیف کتب درسی؛

بیگانه بودن اغلب استادانی که اکنون در تدوین برنامه‌ها و کتاب‌ها دخیل هستند، با تدریس در مراکز و با فضای تربیت‌معلم. به این معنا که یا در مراکز تدریس نکرده‌اند و یا از زمان تدریس آنها سال‌ها می‌گذرد و اندیشه‌های خود را به‌روز نکرده‌اند (خره‌قانیان، ۱۳۸۹).

۱۵. کم‌توجهی به برگزاری دوره‌های آموزش ضمن خدمت هنر؛

۱۶. کم توجهی به متدهای آموزشی مبتنی بر رفتارهای خلاقانه در مقطع تحصیلات ابتدایی؛

۱۷. کم‌توجهی به ارزشیابی درس هنر؛

۱۸. عدم توجه به بحث خلاقیت؛

۱۹. عدم نداشتن معلم خلاق؛

ما علاوه بر پرورش معلم متخصص هنر، به معلم خلاق هم نیاز داریم تا بتواند از ساعتی که در اختیار دارد، به‌صورت مفید استفاده کند و یك کار هنری ارائه دهد. به بهانهٔ اینکه محیط مناسب نیست و یا اینکه هنر جایگاه ندارد، کلاس را تعطیل نکند.

۲۰. عدم توجه به سواد رسانه‌ای و سواد هنری؛

در حال حاضر مدارس به ما نمی‌آموزد که چطور سواد رسانه‌ای داشته باشیم و رمزهای رسانه‌ای را نقادانه رمزگشایی کنیم. حتی نظام آموزشی، سواد هنری و زیبایی‌شناختی را آموزش نمی‌دهد تا بتوانیم شعر و موسیقی و هنر قرن معاصر را درک کنیم. فاضلی معتقد است «نظام آموزشی سواد بصری به ما نمی‌آموزد تا در این جامعهٔ فیگورال که هرلحظه هزاران ایماژ و تصویر از جلوی چشم‌مان عبور می‌کند، ارتباطی خلاق با جهان بصری شده، زیبایی‌شناختی شده، ارتباطی شده و رسانه‌ای شده برقرار نماییم. هنوز به مدرسه به منزلهٔ دستگاهی ایدئولوژیک نگاه می‌کنیم که قرار است انسان مطیع بار بیاورد. اما در دنیای پیچیده و فراپیچیده امروز که فرایندهای مختلف لحظه‌به‌لحظه لباس و پوست و اندام انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهند نمی‌توان با انسان‌های فرمان‌بر و ناخوانا و نانویسا و نااندیشا به‌پیش رفت» (فاضلی، ۱۴۰۱: ۸۷).

❖ **مدرسه**

مدرسه در میان نهادهای تعلیم‌وتربیت جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد. در واقع مدرسه بعد از خانواده مهم‌ترین عامل در پرورش افراد است. اما یکی از چالش‌های آموزش هنر متأسفانه در مدرسه است. به دلایل زیر:

۱. بی‌توجهی معلمان به کتاب راهنمای درس هنر (غنی پارسا، ۱۳۹۰؛ ذوالفقاریان و کیان، ۱۳۹۳).
۲. فقدان امکانات و فضای آموزشی؛
۳. کم‌توجهی کادر مدرسه به‌خصوص مدیران مدارس؛
۴. بی‌توجهی مدرسه به ارتباطش با جامعه و خانواده؛
۵. حذف درس هنر به نفع دروسی مثل ریاضی و علوم که معمولاً به پیشنهاد والدین دانش‌آموزان صورت می‌گیرد.
۶. کثرت به‌کارگیری معلمین حق‌التدریس و ناآشنا به روش تدریس خصوصاً برای دروس کارگاهی.

❖ **خانواده**

۱. والدینِ دانش‌آموزان را باید مجموعه‌ای غیرمتشکل و درعین‌حال تأثیرگذار بر جریان آموزش‌وپرورش و جهت‌گیری‌های آن به‌حساب آورد. تا آنجا که به موضوع آموزش هنر بازمی‌گردد باید از نگرش عمومی والدین به مقوله هنر به‌عنوان یک عامل بازدارنده در اهتمام به آموزش هنر نام برد. چراکه برای گرایش‌های هنری فرزندان خود اهمیت و اولویت چندانی قائل نیستند.
۲. عدم توجه والدین به ارزش هنر در غنی‌سازی اوقات فراغت
۳. انتظار سنتی خانواده‌ها از مدرسه

با عنایت به مطالب مذکور می‌توان گفت، درس هنر در نظام آموزشی ما از سه طرف مورد بی‌مهری قرارگرفته است: آموزش‌وپرورش، مدرسه و خانواده. بیشتر معلمان هنر اعتقاد دارند که درس هنر در مدارس شبیه فرزند ناخوانده‌ای است که هرکسی آن را از خود دور می‌سازد و اجازه رشد و بالندگی را به این درس نمی‌دهند. درواقع آنچه تمام این برجستگی‌ها و کاستی‌ها را به‌عنوان یك محور تفاهم اصلی به هم نزدیك می‌کند، صحه گذاشتن بر نقش ارزشمند و تربیتی هنر در پرورش حس زیبایی‌شناختی دانش‌آموزان است که از دید صاحب‌نظران تلطیف آن می‌تواند به‌عنوان یك سرمایهٔ معنوی همیشه همراه فرزندان ما باشد و حیات معنوی آنها را از محرك‌های طبیعی برای زندگی بهتر سرشار سازد.

۲. آموزش هنر در سه کشور اسلامی (عربستان، قطر، عراق)

۲-۱ عربستان سعودی

آموزش هنر در عربستان سعودی به‌اندازه سایر دروس اهمیت ندارد. ممکن است به این دلیل باشد که ازنظر فرهنگی، یک فرد عادی در عربستان سعودی هنر را یک حرفه نمی‌داند. علاوه بر این، در گذشته برخی از مردم هم به هنرمندان و هم به آثار آنها به دیده تحقیر نگاه می‌کردند و آنها را از نظر ارزش کاملاً متفاوت از پزشکان یا مهندسان می‌دانستند. به این دلیل آموزش هنر در مدارس و جامعه عربستان بسیار کم بود یا اصلاً وجود نداشت (Al-Amri، 2022). اما در قرن بیست‌ویک، وزارت آموزش‌وپرورش عربستان سعودی برنامه درسی آموزش هنر را تغییر داد. در ۲۵ آوریل سال ۲۰۱۶، محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سند معتبری تحت عنوان چشم‌انداز ۲۰۳۰ منتشر کرد که عربستان سعودی را قلب جهان عرب و اسلام و مرکز اتصال سه قاره توصیف می‌کند. نه‌تنها اهدافی را برای تقویت اقتصاد عربستان سعودی و جایگاه

برجسته‌تر این کشور در بازارهای جهانی ارائه می‌کند، بلکه تغییراتی را نیز در زیرساخت‌های اجتماعی ازجمله آموزش نشان می‌دهد. در این سند، این کشور متعهد به افزایش تعداد و تنوع فعالیت‌های فرهنگی و به نمایش گذاشتن استعدادهای بی‌شمار سعودی‌ها است. توجه به رشد شخصیت کودکان، ازجمله «مهارت‌های اجتماعی، دانش فرهنگی و خودآگاهی» از طریق «تغییر سیستم آموزشی و تحصیلی» صورت می‌گیرد. در این سند به تهیه «برنامه درسی مدرن» اشاره‌شده است. چشم‌انداز ۲۰۳۰ به ترویج و تقویت مجدد توسعه اجتماعی برای ایجاد یک جامعه فعال و سازنده تمرکز دارد. به نظر می‌رسد آموزش هنر با تمرکز بر هنرهای تجسمی، رقص، تئاتر و موسیقی، نیز در حال تغییر است. اکنون ممکن است فضایی در برنامه درسی هنر برای دانش‌آموزان وجود داشته باشد تا از هنر برای کشف مسائل اجتماعی استفاده کنند. در چند کلمه می‌توان محورهای اصلی چشم‌انداز را خلاصه کرد: اقتصاد پررونق، جامعه پرجنب‌وجوش.

بر اساس این سند تغییرات در هنر شامل: ایجاد بزرگ‌ترین موزه اسلامی جهان به‌عنوان بخشی از انگیزه تولید هنر اسلامی هست. علاوه براین، روابط تحول‌آمیز بین دولت و شهروندان آن، ازنظر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی وجود دارد. در چشم‌انداز ۲۰۳۰، دولت عربستان اجازه رشد فعالیت‌های سرگرمی و گردشگری و همچنین اصلاحات جامع برای سیستم آموزش و تأکید بر اصلاحات آموزش، تئاترها، موزه‌ها، کنسرت‌ها، نمایشگاه‌ها و هنر دارد. به‌طورکلی هدف این چشم‌انداز شهروندانی فعال و مستقل با تحصیلات بالا و توانایی تفکر انتقادی و کارآفرین است. بر این اساس آموزش هنر امروز مهم است و به یک کلاس مهم در مدارس تبدیل‌شده است(Alkhenaini, 2013). در حال حاضر هر هفته دو کلاس آموزش هنر برای همه پایه‌ها در مدارس ابتدایی پسرانه و دخترانه وجود دارد. اگرچه وزارت آموزش‌وپرورش زمان اختصاص داده‌شده به آموزش هنر در عربستان را افزایش داده است، هنوز نیاز به در نظر گرفتن تنوع بیشتری از موضوعات هنری وجود دارد تا نیازهای دانش‌آموزان دختر و پسر ابتدایی را به‌صورت دولتی و خصوصی برآورده کند. این بدان معناست که مدارس ابتدایی عربستان ممکن است به کلاس‌هایی نیاز داشته باشند که هنر را به‌عنوان یک رسانهٔ بیانگر در قرن بیست‌ویک که به‌طور فزاینده‌ای ازنظر فناوری رهبری می‌شود، آموزش دهند (Alheezan، 2009).

برنامه درسی هنر

باستان‌شناسی، معماری، خوشنویسی، موسیقی عامیانه و رقص، شعر، میراث، فرهنگ، لباس و جواهرات سنتی **(**Albakri, 2020**)**.

اهداف آموزش هنر

مهم‌ترین اهداف اصلی آموزش هنر براساس اسنادبالادستی شامل: رشد عاطفی، رشد فکری، رشد جسمانی، ادراکی، رشد اجتماعی، زیبایی‌شناسی، خلاقیت، استفاده از حواس، احترام و عشق به کار، ابراز وجود و رفع ناامیدی، اعتمادبه‌نفس، گسترش دانش اصطلاحات هنری (Lutf، 2018).

توجه به ارتباطات هنر و مطالعات اجتماعی

نظام آموزش‌وپرورش عربستان تأیید می‌کنند نقش آموزش هنر در دستیابی به تلاش‌های توسعه اجتماعی مهم است و استفاده از هنر در برنامه درسیِ مطالعات اجتماعی در به دست آوردن اهداف کمک خواهد کرد. به عبارتی، تأکید کرده‌اند که آموزش هنر می‌تواند مربوط به موضوعات موردمطالعه

در کلاس‌های مطالعات اجتماعی مانند آموزش شهروندی، هویت اجتماعی. فرهنگی، میراث و تاریخ باشد. بااین‌حال، وقتی صحبت از آموزش هنر در مدارس عربستان می‌شود، موضوعات اجتماعی اغلب از بیشتر برنامه‌های درسی خارج می‌شود و بین مطالعات اجتماعی و برنامه درسی آموزش هنر رابطه ضعیفی وجود دارد. اما موضوعات اجتماعی در آثار هنری برجسته‌تر به نظر می‌رسند، که می‌توان در موزه‌ها، اماکن تاریخی کشور و کلاس‌های جغرافیا یا تاریخ یافت. همچنین، آثار هنری را می‌توان در برخی از فعالیت‌های خارج از برنامه در مدارس مانند کسانی که در روز ملی، جشن عید و روز معلم شرکت می‌کنند، مشاهده کرد. به‌طورکلی، بااینکه آموزش هنر سعودی صرفاً باهدف هنر برای هنر، به یک مفهوم اصلی برای یادگیری هنر در کلاس‌های آموزش هنر سعودی تبدیل‌شده است، و حتی اگر هنر آینه و پنجره‌ای برای جامعه باشد و می‌تواند موضوعات جامعه را منعکس کند، بدیهی است که بین آموزش هنر و جامعه رابطه محدودی وجود دارد (Ibid).

آموزش هنر و فناوری در عربستان

جامعه عربستان به دلیل زیرساخت‌های قوی که از آن برخوردار است، پیشرفت‌های قابل‌توجهی را تجربه کرده است. بر این اساس، با توجه به دیجیتالی شدن دنیای مدرن، جامعه پادشاهی عربستان تلاش می‌کند تا این تحولات را به‌درستی در جامعه خود بگنجاند و بر نقش مهم یادگیری الکترونیکی در بخش آموزش متمرکزشده است، زیرا این آموزش می‌تواند منجر به پیشرفت و فرصت‌های جدید شود. مقامات این کشور امیدوارند تا سال ۲۰۳۰ خدمات آموزش الکترونیکی را به‌طور کامل در این بخش ادغام کنند. در این راستا، وزارت آموزش عربستان سعودی، بزرگ‌ترین توافقنامه در نوع خود با مایکروسافت، برای اجرای چندین برنامه و پروژه که به پیشرفت فرآیند آموزشی کمک می‌کند، امضا کرد. (Alhomaidi, 2022).لازم به ذکر است با توجه به اینکه بر اهمیت یادگیری هنر و نقش آموزش الکترونیکی در این زمینه توجه دارند و آموزش هنر در عربستان نسبت به گذشته اهمیت روزافزونی پیداکرده است اما همچنان جامعه پادشاهی عربستان فاقد یک چارچوب آموزشی جامع برای پوشش کل بخش آموزش در کشور است.

۲-۲. کشور قطر

برنامه درسی آموزش هنر در کشور قطر بر اساس برنامه درسی ملی کشور انگلیس با رویکرد STEAM است. در این رویکرد (علم، فناوری، مهندسی، هنر و ریاضیات) را اتخاذ می‌کنند تا دانش‌آموزان با استفاده از روش‌های مهندسی و طراحی، دانش علمی و ریاضی را برای یافتن راه‌حل‌هایی برای مسائل دنیای واقعی یکپارچه به کار ببرند. این رویکرد با این باور سازگار است که دانش‌آموزان باید مرکز فرآیند یاددهی و یادگیری باشند و یادگیری زمانی به بهترین شکل اتفاق می‌افتد که دانش‌آموز درگیر اجرای فعالیت‌های معنادار باشد. با این رویکرد، دانش‌آموزان پروژه‌ها و فعالیت‌های عملی را انجام می‌دهند که به آنها کمک می‌کند تا مهارت‌های تحقیق را توسعه دهند و دانش علمی را به واقعیت عملی پیوند دهند. استفاده از این رویکرد در آموزش نه‌تنها به یادگیری علوم، فناوری، مهندسی و ریاضیات محدود نمی‌شود، بلکه به هنر نیز گسترش می‌یابد. هنرها تأثیر به سزایی در رشد تخیل دانش‌آموزان و توانایی آنها در خلاقیت و تفکر غیرمتعارف دارد. مربیان موافق هستند که این مهارت‌ها در جهت‌یابی موقعیت‌های زندگی واقعی ضروری است. در حمایت بیشتر از هنر،

طیف گسترده‌ای از دوره‌ها مانند هنرهای نمایشی، موسیقی و نویسندگی خلاق را ارائه می‌دهند. همچنین، هنرهای تجسمی را ارائه می‌دهند که شامل: نقاشی، عکاسی دیجیتال و تولید فیلم می‌شود. علاوه براین، همه معلمان تشویق می‌شوند تا هنرها را در آموزش خود ادغام کنند تا فرصتی برای دانش‌آموزان فراهم کنند تا اعتمادبه‌نفس خود را توسعه دهند و صدای خود را بیان کنند. علاوه براین، آنها به اهمیت فناوری در ایجاد یک محیط آموزشی و یادگیری پویا اعتقاد دارند. همچنین معتقدند که تسلط دیجیتال و شهروندی جنبه‌های مهم موفقیت تحصیلی و حرفه‌ای همه دانش‌آموزان است. بنابراین، ما سخت‌افزار باکیفیت و اتصال به اینترنت پرسرعت را ارائه می‌کنیم تا مدرسه به‌طور کامل به محتوا و جوامع آنلاین دسترسی داشته باشد و از آنها استفاده کند. همچنین به کارکنان آموزشی خود آموزش‌های مستمری را در مورد استراتژی‌های ادغام یکپارچهٔ همه جنبه‌های فناوری در کلاس‌های درس ارائه می‌دهند تا تجربیات یادگیری دانش‌آموزان افزایش‌یافته و گسترش یابد (Rostron, 2009).

اهداف آموزش هنر

طراحی، تشویق دانش‌آموزان به استفاده از مهارت‌های تفکر خلاق و عملی برای حل مشکلات است. دانش‌آموزان چرخه طراحی را یاد می‌گیرند و اجرا می‌کنند. تجزیه‌وتحلیل مشکلات، توسعه راه‌حل‌های عملی، ایجاد راه‌حل، آزمایش و ارزیابی راه‌حل‌ها. دانش‌آموزان همچنین یاد می‌گیرند که از فناوری‌های مناسب برای ایجاد راه‌حل استفاده کنند (Rostron, 2009).

توجه به تفکر انتقادی

برنامه‌ریزان آموزشی معتقدند برای اینکه دانش‌آموزان برای زندگی و محیط‌های کاری پیچیده‌تر آماده شوند، باید بر مهارت‌های قرن بیست‌ویک خلاقیت و نوآوری، تفکر انتقادی و حل مسئله و همچنین ارتباط و همکاری تسلط داشته باشند. به همین دلیل است که به‌جای کسب حقایق ساده به‌عنوان شاخص دانش، بر تسلط بر مهارت‌های تفکر سطح بالاتر و حل مسئله تمرکز می‌کنند. این مهارت‌های تفکر سطح بالاتر همراه با مهارت‌های همکاری و زبان خوب، یادگیرندگانی مادام‌العمر ایجاد می‌کنند که قادر به ایفای نقش خود به‌عنوان شهروندان جهانی و رهبران در جامعه آینده هستند. برای این منظور، دانش‌آموز را در مرکز فرآیند یادگیری با بحث، یادگیری مشارکتی و یادگیری مبتنی بر پروژه نگه می‌دارند.

موسیقی و آموزش هنر

صاحب‌نظران آموزشی خود را متعهد به توسعه قابلیت‌های خلاقانه دانش‌آموزان با ارائه یک برنامه جامع هنری و موسیقی می‌دانند. آنها هم‌عقیده با دیدگاه صاحب‌نظران هستند و «شرکت در هنر را راهی برای گسترش تخیل دانش‌آموزان و کمک به تکامل شخصیت آنها به شیوه‌ای یکپارچه می‌دانند که توانایی آنها را برای یادگیری و سازگاری با محیطشان بهبود می‌بخشد. علاوه براین، واضح است که شروع هنر در سال‌های اولیه راهی برای تقویت عضلات دست و رشد مهارت‌های حرکتی ظریف کودک است. فعالیت‌هایی مانند ایجاد اشیاء سه‌بعدی از خاک رس یا کاغذ به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا درک فضایی را توسعه دهند و الگوها را تشخیص دهند. معرفی موسیقی در مراحل اولیه همچنین می‌تواند به یادگیری زبان‌ها و همچنین توسعه توانایی تشخیص صداها و درک جنبهٔ زیبایی‌شناختی کمک کند. با بالا رفتن سن کودکان، هنر به‌عنوان یک مکان عالی برای رشد مهارت‌های

اجتماعی، حل مسئله و پویایی گروه عمل می‌کند. هنرها همچنین راهی عالی برای کشف استعدادهای نهفته، کشف جایگاه خود در جهان و یادگیری در مورد تنوع و تاریخ همه مردمان هستند. این فرصت را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند تا طیف گسترده‌ای از هنرها مانند هنرهای نمایشی، ازجمله: نمایش، موسیقی، دوره‌های نویسندگی خلاق برای ادبیات و شعر و همچنین هنرهای تجسمی ازجمله: نقاشی، عکاسی دیجیتال و تولید فیلم بیاموزند. علاوه براین، همه معلمان تشویق می‌شوند تا هنرها را در آموزش خود ادغام کنند تا فرصتی برای دانش‌آموزان فراهم کنند تا اعتمادبه‌نفس خود را توسعه دهند و صدای خود را بیان کنند» (Ibid).

کودکان ۶ تا ۱۲ ساله: ملزم به تجربه انواع مختلف هنرهای نمایشی، موسیقی، هنرهای تجسمی هستند. نظام آموزش‌وپرورش قطر معتقد است: هنر دانش‌آموزان را به چالش می‌کشد تا مسائل معتبر را در نظر بگیرند و مهارت‌های خود را فراتر از سطحی‌نگری و تقلید توسعه دهند. فرصت‌هایی برای دانش‌آموزان فراهم می‌شود تا به‌عنوان هنرمند و همچنین یادگیرنده هنر عمل کنند.

برنامه درسی هنر

براساس اسناد بالادستی، نمایش، موسیقی، دوره‌های نویسندگی خلاق برای ادبیات و شعر و همچنین هنرهای تجسمی ازجمله: نقاشی، عکاسی دیجیتال و تولید فیلم است. لازم به ذکر است، موسیقی و تربیت‌بدنی تا سن ۹ سالگی اجباری است، بعد از ۹ سالگی موسیقی اختیاری است اما تربیت‌بدنی اجباری است.

۳-۲ کشور عراق (بغداد و کردستان)

نظام آموزش‌وپرورش عراق معتقد است: باید به همه کودکان، دختران و پسران خود در تمام نقاط عراق فرصتی بدهیم تا از آموزش باکیفیت بهره‌مند شوند و پتانسیل‌های فردی خود را مانند کودکان کشورهای دیگر ارتقا دهند. باید مدارس خود را به مکان‌های مهیج و جذاب برای یادگیری تبدیل کنیم، جایی‌که فرزندان ما تمایل به رفتن دارند و ارزش‌ها و اولویت‌های فرهنگی ما را منعکس می‌کند. جوانان باید سطح بالایی از دانش، مهارت و درک را در موارد زیر توسعه دهند:

آموزش دینی و اسلامی	زبان، ادبیات و ارتباطات
مطالعات اجتماعی	آموزش هنر
توسعه پایدار	شهروندی و حقوق بشر
برابری جنسیتی	موسیقی
مهارت‌های ارتباطی و همکاری	عدالت اجتماعی و همبستگی
ریاضیات	علوم
فناوری و ICT	ورزش و سلامت
کارآفرینی	آگاهی فرهنگی و تفاهم بین‌فرهنگی
صنایع‌دستی	آموزش حرفه‌ای

هنرها

نظام آموزش‌وپرورش عراق، هنرها را منبع الهام و لذت می‌دانند. زیرا هنرها زمینه‌هایی را فراهم می‌کنند که در آن دانش‌آموزان یاد می‌گیرند افکار و احساسات خود را بیان کنند، از تخیلات خود استفاده کنند، آزمایش کنند و خلاقیت را توسعه دهند. همچنین معتقدند، هنر دانش‌آموزان را به میراث فرهنگی غنی خود متصل می‌کند. هنرها نقش کلیدی در رشد فردی، اجتماعی و عاطفی دانش‌آموزان دارند و آنها را قادر می‌سازد تا در زندگی خلاقانه و فرهنگی جوامع خود شرکت کنند و به آن پاسخ دهند. دانش‌آموزان تشویق می‌شوند تا «صدای» خود را توسعه دهند و با

دیگران همکاری کنند تا از طریق ابزارها و زمینه‌های رسانه‌ای مختلف با مخاطبان گوناگون ارتباط برقرار کنند(Iraqi Curriculum Framework).

برنامه درسی هنر

صنایع‌دستی، هنرهای تجسمی، موسیقی، نمایش،

اهداف آموزش هنر

۱. آگاهی و قدردانی از میراث فرهنگی خود
۲. آگاهی و قدردانی از میراث فرهنگی دیگری
۳. مدیریت بیان هنری

به‌طور کلی، چارچوب برنامهٔ درسیِ اصول فلسفه آموزشی جدید عراق شامل؛ تشویق به تعالی و خلاقیت در تمامی عرصه‌های زندگی فکری، کار علمی و هنری، افزایش جذب فراگیران در مؤسسات آموزشی، توجه ویژه به جمعیت روستایی و مناطق دورافتاده، تقویت نقش آموزش در تحکیم بردباری و تفاهم بین مردم بر اساس اصول و شیوه‌های یادگیری زندگی مسالمت‌آمیز باهم در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است.

در پایان بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد در کشورهای انتخاب شده در پژوهش حاضر رشته‌های هنری که در برنامه درسی هنر گنجانده شده‌اند عبارت‌اند از:

طراحی، نقاشی، کاردستی، عکاسی، معماری، هنرهای نمایشی، موسیقی، رسانه‌های ترکیبی، هنرهای‌گرافیکی،نساجی،مجسمه‌سازی،سفالگری، ویدئو آرت و هنر رایانه‌ای. بنابراین به نظر می‌رسد تفکر امروزی درباره هنر و زیبایی‌شناسی به‌منزله هسته اصلی برنامه درسی یا اصلاح نظام آموزشی است. همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد که وجوه تمایز ویژگی‌های برنامه درسی هنر در ایران با کشورهای مورد بررسی را می‌توان در چند محور کلی به شرح ذیل ارائه کرد که اهمیت این موارد در ارتقا و اعتلای برنامه درسی تربیت هنری در ایران نقش ویژه‌ای دارد.

- افزایش ساعت هنر؛
- توجه ویژه به موضوعاتی از جمله: موسیقی و تاریخ هنر؛
- توجه ویژه به هنرهای بومی هر منطقه
- اهمیت به ادبیات و نوشتن خلاق؛
- آموزش تفکر انتقادی؛
- لزوم توجه به موضوع‌های چند فرهنگی؛
- بهره‌گیری از موزه‌ها به عنوان ابزاری برای آموزش؛
- اهمیت نقش یادگیری الکترونیکی در آموزش هنر؛
- تأکید بر ارتباط هنر با مسائل اجتماعی؛

۳. توصیه‌های سیاستی با توجه به بررسی‌های تطبیقی

در ادامه به طرح راهکارهای پیشنهادی برای احیای آموزش هنر و نهادینه ساختن آن به‌عنوان یک قلمرو اساسی آموزشی و تربیتی در نظام آموزش‌وپرورش ایران می‌پردازیم:

❖ **آموزش‌وپرورش**

۱. استفاده از مطالعات و تجربیات کشورهای پیشرفته و منطقه در زمینهٔ تربیت هنری؛
۲. عطف توجه به پژوهش‌های بنیادی، کاربردی و تطبیقی در حوزه آموزش هنر؛
۳. ظرفیت‌سازی برای بسط و توسعه هنر در نظام آموزشی از طریق هم‌سو ساختن دستگاه‌های دولتی؛
۴. ظرفیت‌سازی برای بسط و توسعهٔ هنر در نظام آموزشی با راه‌اندازی و تقویت شبکهٔ نهادهای غیردولتی؛
۵. تلاش برای دستیابی به الگوی مطلوب برنامه

درسی هنر؛
۶. طراحی برنامهٔ اجرایی معقول برای پیاده کردن برنامه درسی هنر؛
۷. تدوین نظام ارزشیابی متناسب با درس کیفی هنر؛
۸. تدوین یک راهنمای برنامه درسی به‌عنوان سند مکتوب برای آموزش هنر در نظام آموزش متوسطه؛
۹. ضرورت نگاه به تربیت هنری به‌عنوان فرابرنامه درسی و روح حاکم بر کل برنامه آموزشی؛
۱۰. توجه به گسترش آموزش میان‌رشته‌ای؛
۱۱. توجه به ارتباط بین مطالعات اجتماعی و برنامه درسی هنر، به عبارتی استفاده از هنر برای کشف مسائل اجتماعی ازجمله: محیط زیست، هویت اجتماعی. فرهنگی، آموزش شهروندی و کارآفرینی؛
۱۲. تخصصی شدن آموزش هنر به شکل عمومی؛
۱۳. شمول آموزش هنر برای تمام سطوح تحصیلات ماقبل دانشگاه؛
۱۴. توجه به هنرهای بومی و سنتی موجود در سطح منطقه‌ای و محلی و استفاده مناسب از آنها در برنامه درسی هنرِ دورهٔ ابتدایی، که علاوه بر جذابیت و سهولت دستیابی به آنها بستر بسیار مناسبی را برای دوام، ماندگاری و انتقال این هنرها فراهم می‌آورد.
۱۵. توجه به کاربردی بودن هنرها؛
۱۶. توجه به رویکرد مسئله محور نسبت به آموزش هنر:

یعنی معلمان به‌جای اینکه برنامه درسی را بر اساس یادگیری یک رسانه یا تکنیک قرار دهند، واحدهای آموزشی خود را بر اساس یک مسئله، موضوع یا سؤالی که از آثار هنری و فرهنگ تصویری جمع‌آوری‌شده است، قرار دهند. این روش دانش‌آموزان و معلمان هنر را قادر می‌سازد تا در چارچوب‌بندی مسائل اجتماعی و ارائه راه‌حل‌ها، تأمل بیشتری داشته باشند (پارکر، ۱۴۰۱).

۱۷. استفاده از پتانسیل IT در بسط و توسعه و بهبود کیفیت آموزش هنر؛
۱۸. راه‌اندازی مدارس نمونهٔ هنر؛
۱۹. راه‌اندازی سایت اینترنتی آموزش هنر؛
۲۰. فعال ساختن نشریات علمی و ترویجی؛
۲۱. بررسی مداوم کتاب راهنمای معلم هنر و ارزیابی عملکرد معلمان و گرفتن بازخورد از آنها به‌صورت متناوب و کاربرد آن در نحوه تدوین کتاب راهنمای هنر در به‌روزرسانی محتوای آن مؤثر است.
۲۲. تربیت نیروی متخصص؛
۲۳. افزایش ساعات آموزش هنر در برنامهٔ هفتگی دانش‌آموزان؛ (خانعلی لو، ۱۳۸۹). (مهرمحمدی، ۱۳۹۰).
۲۴. توجه به نقش رسانه در آموزش هنر؛ (غلامی، ۱۴۰۲).

❖ مدرسه

دربارهٔ نقش محیط آموزشی، پیاژه معتقد است: مدرسه باید تبدیل به یک محیط پرورشی گردد محیطی که خانواده همواره موفق به ایجاد آن نمی‌شود. این محیط در حکم شرایط اضطراری یک تحول عقلی و انفعال کامل است. درواقع باید تعیین شود که برحسب چه کیفیاتی این محیط اجتماعی که مدرسه نام دارد، در یافتن بهترین شیوه‌های پرورش شاگردان توفیق حاصل می‌کند (پیاژه، ۱۳۵۶: ۹-۷۴). بنابراین آنچه مهم است:

۱. زیباسازی فضای فیزیکی مدارس؛

۲. راه‌اندازی مکانی به نام «کارگاه هنر» در مدارس، همچنین اختصاص دادن محلی به نمایشگاه هنر در مدرسه می‌تواند الزامی باشد.
۳. به وجود آوردن موقعیت‌های فوق‌برنامه از طرف معلم و مدیر مانند:

تـأکید بـر بـردن دانش‌آموزان بـه موزه‌ها، آتلیه‌ها؛ فرهنگسراها و نمایشگاه‌های آثـار هنـری (نقاشی؛ خط؛ مجسمه‌سازی؛ صنایع‌دستی، تئـاتر و ...)، بـردن بچه‌هـا بـه دیـدن مناظر طبیعی به‌منظور کشیدن طراحی از این فضاها و ... .

۴. برگزاری نمایشگاه‌های فصلی و دائمی در محیط مدرسه و برگزاری مسابقات هنری با همکاری سازمان‌های مرتبط.
۵. بالا بردن سطح آگاهی والدین نسبت به اهمیت درس هنر؛
۶. در مدارس، مشاورانی یا فارغ‌التحصیلان رشته هنر به صورت دوره‌ای به آموزگاران در این زمینه کمک کنند.
۷. مدیر مدرسه فرصت‌های مناسب برای مشاهده مراحل هنرها برای آشنایی دانش‌آموزان فراهم کند.

❖ **خانواده**

۱. والدین می‌توانند فرزندان خود را به انجام دادن فعالیت‌های خلاقانه تشویق کنند و آگاهی‌های زیبایی‌شناسی را در کودکان افزایش دهند؛ به این صورت که ۱. فرزند خود را در معرض تجربیاتی قرار دهند که احساس آنها را از نظر زیبایی‌شناسی بیشتر می‌کند؛ مثلاً موزه‌ها، کنسرت‌ها، تئاترها و طبیعت‌گردی؛ ۲. به زیبایی‌های پیرامون فرزند خود اشاره کنند؛ مثلاً در طبیعت، هنرهای زیبا و موسیقی.
۲. به نظر می‌رسد قابل‌توجه‌ترین روشی که والدین می‌توانند از تلاش‌های هنری فرزندان خود حمایت کنند، حضور در رویدادهای هنری مدرسه است.

به باور صاحب‌نظران تعلیم‌وتربیت به‌منظور محقق ساختن اهداف برشمرده برای درس هنر، معلم نقش تعیین‌کننده‌ای داشته و در صورت داشتن ویژگی‌هایی می‌تواند دانش‌آموزان را به سرمنزل مقصود رهنمون شود. معلمی موفق خواهد بود که موقعیت‌شناس بوده و با شاخص‌های هنری کودکان آشنا باشد تا بتواند در موقعیت زمانی، مکانی و فضای فکری مناسب دانش‌آموزان را راهنمایی نماید.

نتیجه‌گیری

با عنایت به مطالب مذکور می‌توان گفت، به‌رغم پیشرفت و توسعهٔ برنامه‌های درسی هنر در سراسر دنیا و توجه به جایگاه آن و عبور هنر از حاشیه به متنِ برنامه‌های درسی، برنامهٔ درسی هنرِ دورهٔ ابتدایی ایران به هماهنگی و توجه به پیشرفت‌ها و دیدگاه‌های امروز نیاز دارد تا بتواند به پیامدهای شایستهٔ تربیت هنری دست یابد. هنوز در مدرسه‌های ما، هنر به حاشیه رانده می‌شود. به عبارتی، آموزش هنر یکی از حوزه‌های مغفول آموزش در ایران به‌حساب می‌آید. این در حالی است که اگر به کارکردهای اساسی هنر توجه کنیم درمی‌یابیم که هیچ نظام آموزشی را نمی‌توان بدون عطف توجه به هنر و زیبایی‌شناسی کامل و کارآمد ارزیابی کرد. به لحاظ تاریخی در نظام آموزش‌وپرورش ایران هنر با اینکه از حیث مضمون و دشواری، هم‌تراز با سایر علوم است؛ اما چون نتیجهٔ عینی و آشکاری مانند آموزش خواندن و

نوشتن نداشته است، مورد سطحی‌نگری واقع‌شده و بی‌برنامه رها شده است. درواقع، بخشی از مشکلات نظری تربیت هنری در نظام آموزشی ما، متأثر از این تصور است که قلمرو فرعی هنر، فاقد اهمیت لازم برای تنظیم و تدوین برنامه‌ریزی هدفمندی است.

بررسی اسناد بالادستی نشان داد که آنچه اهمیت دارد، لزوم تغییر اساسی نگرش سیاست‌گذاران، مدیران و مجریان به امر آموزش هنر است؛ نکته دیگر در الگوی اجرای برنامه درسی بر اساس اسناد بالادستی یافته‌های پژوهش بیانگر این بود که اثربخشی نظام تعلیم‌وتربیت در هر جامعه به اثربخشی معلمان آن بستگی دارد. چراکه اهداف، برنامه‌ها، محتواهای آموزشی و روش‌های یاددهی-یادگیری، همگی باید به دست توانای معلمان اثربخش در عرصهٔ واقعی کلاسی درس به اجرا درآید. مسئله دیگر که به آن اشاره شد نقش رسانه‌ها بود، اینکه هنر برای اینکه تأثیر قابل‌توجهی داشته باشد باید به گفتگوی عمومی تبدیل شود. باید بتوانیم گفتگوی عمومی دربارهٔ هنر را گسترش دهیم و راه‌های ارتقای کیفیت و نجات هنر در مدارس را بازکنیم. فراموش نکنیم که اکثریت مردم همچنان به‌نظام آموزش رسمی وابسته‌اند. بنابراین باید راه‌هایی پیدا کنیم که این اکثریت بتوانند نظام آموزشی مطلوب‌تر و کارآمدتری داشته باشند. راهی که دکتر فاضلی در کتاب مسئله مدرسه پیشنهاد می‌کند این است که «استیضاح اجتماعی» صورت بگیرد، یعنی از مدیران مدارس گرفته تا برنامه‌های درسی، تألیف کتاب‌های درسی، وزرا، مجلس، کل نظام سیاسی در برابر مردم پاسخگو باشند. این کار مستلزم این است که تقاضای اجتماعی و پرسشگری اجتماعی ایجاد شود.

در پایان امید است مسئولان با شناخت منطقی و اصولی از مقوله هنر بتوانند مشکلات این درس را که یکی از پایه‌ای‌ترین مسائل در زندگی تک‌تک افراد جامعه است از میان برداشته و با حمایت منطقی جایگاه هنر را تقویت نمایند و این را باور داشته باشند که هنر محروم است و با کمك به معرفی منابع فراوان که در حوزه هنر موجود است، به بررسی ضعف‌های برنامه درسی هنر بپردازند و شرایطی را فراهم کنند که با نگرش صحیح به این درس و قابلیت‌های آن، نظام آموزشی نوین را رقم زنند.

کتابنامه

آیت‌اللهی، مینو و همکاران (۱۳۹۳). راهنمای برنامه درسی هنر دوره ابتدایی؛ برای معلمان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم ابتدایی، دفتر تألیف کتاب‌های درسی، وزارت آموزش‌وپرورش.

اسپیرز، پگ؛ گودالیوس، ایوان (۱۳۹۰). رویکردهای معاصر در آموزش هنر، ترجمهٔ فرشته صاحب‌قلم. تهران: مؤسسه فرهنگی و پژوهشی چاپ و نشر نظر.

استوارت، مریلین جی (۱۳۹۹). تفکر از دریچهٔ زیبایی‌شناسی، ترجمهٔ فرشته صاحب‌قلم. تهران: انتشارات سمت.

الهامیان، نگار؛ غلامرضا، حاجی حسین نژاد؛ نعمت لله موسی پور و مرجان کیان (۱۳۹۸). «طراحی الگوی اجرای برنامه درسی تربیت‌معلم مبتنی بر اسناد تحولی آموزش‌وپرورش جمهوری اسلامی ایران». فصلنامهٔ پژوهش در نظام‌های آموزشی، دورهٔ ۱۳، شمارهٔ ۴۶، صص ۱۴۵-۱۶۱.

امینی، محمد (۱۳۹۷). تربیت هنری در قلمرو آموزش‌وپرورش، تهران: انتشارات آییژ.

پرنیان، سحر (۱۳۹۷). بررسی سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش، تهران: انتشارات فرزانگان دانشگاه.

پیاژه، ژان (۱۳۵۶). دیدگاه پیاژه، ترجمهٔ محمود منصور و پریرخ دادستان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

تحویلیان، حسین (۱۳۹۴). «تاریخچه آموزش هنر»، سایت سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش‌وپرورش.

تیموری، کاوه (۱۳۸۹). «ارتقای آموزش هنر، دغدغهٔ مشترک اهل هنر در آموزش و پروش»، نشریهٔ رشد آموزش هنر، دورهٔ هشتم، شمارهٔ ۱، صص ۱-۳.

جِی پالکر، پارکر (۱۴۰۱). شهامت تدریس، ترجمهٔ نوگل روحانی، تهران: انتشارات هوش ناب.

حیدری، محمدحسین و همکاران (۱۳۸۴). «آموزش‌وپرورش آینده‌نگر: اهداف و راهکارها». مجلهٔ علوم تربیتی و روان‌شناسی، دورهٔ سوم، سال دوازدهم، شمارهٔ ۲، صص ۱۳۵-۱۶۲.

خانعلی لو، مریم (۱۳۸۹). «هنر دوره ابتدایی». نشریهٔ رشد آموزش هنر، دورهٔ ۷، شمارهٔ ۳، صص ۴۸-۵۶.

خره‌قانیان، فاطمه (۱۳۸۹). «ارتقای آموزش هنر رویکردها و برنامه‌ها»، نشریهٔ رشد آموزش هنر، دورهٔ هشتم، شمارهٔ اول، صص ۳۳-۳۹.

خواجه جوزم، علی (۱۳۹۲). «تحلیل مفهومی تربیت در مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تربیت رسمی و عمومی و دلالت‌های آن در سیاست‌گذاری تحول در آموزش‌وپرورش با تأکید بر نقش رسانه»، چهارمین همایش انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران «مبانی فلسفی تحول در نظام آموزش‌وپرورش ایران».

ذوالفقاریان، ملیحه و مرجان کیان (۱۳۹۳). «واکاوی تجارب معلمان زن در تدریس هنر در مدارس ابتدایی: یک پژوهش کیفی»، دو فصلنامهٔ نظریه و عمل در برنامهٔ درسی، سال دوم، شمارهٔ ۴، صص ۱۳۵-۱۶۰.

شرفی، حسن (۱۳۸۸). تحلیل و نقدی بر برنامهٔ درسی هنر دورهٔ ابتدایی ایران درگذشته و وضع موجود، تهران: پژوهشکدهٔ تعلیم و تربیت، وزارت آموزش‌وپرورش.

شورای تخصصی حوزوی شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۴). «اسناد پشتوانه علمی سند حاکمیتی هنر»، قم: شورای تخصصی حوزوی.

شورای عالی آموزش‌وپرورش (۱۳۹۰). «مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران»، تهران: وزارت آموزش‌وپرورش.

صابری، رضا و همکاران (۱۳۹۴). «طراحی الگوی برنامه درسی هنر آموزش عمومی (ابتدایی و متوسطه اول)»، فصلنامهٔ مطالعات برنامه درسی ایران، شمارهٔ ۳۹، صص ۱۳۳-۱۵۴.

غلامی، هادی (۱۴۰۲). تأثیر تزکیه بر تعلیم وتعلم (حکمت) از دیدگاه امام خمینی (ره)، تهران: انتشارات پیروزان ولایت.

غنی پارسا، مهدی (۱۳۹۰). «آموزش هنر در مدارس»، نشریهٔ رشد آموزش هنر، دورهٔ نهم، شمارهٔ ۱، صص ۱۸-۲۱.

فاضلی، نعمت‌الله (۱۴۰۱). مسئله مدرسه، تهران: نشر.

کیان، مرجان و محمود مهرمحمدی (۱۳۹۲). «شناسایی وجوه و ابعاد مغفول برنامهٔ درسی هنر دورهٔ ابتدایی»، دوفصلنامهٔ علمی-پژوهشی دانشگاه شاهد، ۱-۱۸.

مریدی، محمدرضا (۱۳۹۳). آموزش همگانی هنر در

ایران، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
مهرمحمدی، محمود و مرجان کیان (۱۳۹۳). برنامهٔ درسی و آموزش هنر در آموزش‌وپرورش، تهران: انتشارات سمت.
---------- (۱۳۹۰). «معلم هنرمند، معلم خلاق». نشریهٔ رشد آموزش هنر، دورهٔ نهم، شمارهٔ ۱، صص ۱-۷.
---------- (۱۳۹۸). آموزش عمومی هنر: چیستی، چرایی، چگونگی، تهران: انتشارات مدرسه.
نواب‌صفوی، مینا و فاطمه رادپور (۱۳۸۵). راهنمای برنامهٔ درسی هنر؛ برای معلمان پایه‌های اول، دوم و سوم ابتدایی. وزارت آموزش‌وپرورش.
نواب، محمدحسین و علی لطیفی (۱۳۹۸). «درآمدی بر سیاست‌گذاری در متن و محتوای حکمت محور آموزش عمومی هنر». فصلنامهٔ علمی پژوهشی دین و سیاست فرهنگی، شمارهٔ دوازدهم، صص ۶۴-۸۳.

Al-Amri, M. (2022). “Culture and Arts Education in Oman: current state and future projections”. *International Arts Education*. KACES International Symposium Sultan Qaboos University, Oman.

Albakri, H. (2020). “Transforming Art Education in Saudi Arabia: Inclusion of Social Issues in Art Education”. Dissertation Prepared for the Degree of Doctor of Philosophy.

Alheezan, Abdullah A. (2009). “Examining Art Education in Boys’ Middle Schools in Saudi Arabia in Riyadh”. Florida State University Libraries. Electronic Theses, Treatises and Dissertations the Graduate School.

Alhomaidi, Manal & Salleh, Shaharuddin. (2022). “The Importance of Art Education in Saudi Arabia: A Review”. *Journal of Positive School Psychology*. Vol. 6, No. 2, 1160 – 1168.

Alkhenaini, Norah. (2013). “Fostering Creativity in Elementary School Art Education in Saudi Arabia through the Use of Selected Art Therapy Techniques”.*A Thesis Submitted in Partial Fulfillment of the Requirement for the Degree Master of Arts Master of Arts*. University of the Arts.

Flory, Ashley. “Exploring the Benefits of Art in Elementary Education”. 56-62.

Lutf, Dina Abdelhamid. (2018).” UNDERSTANDING THE DYNAMICS OF ART EDUCATION IN SAUDI ARABIA WITHIN HIGH SCHOOLS AND COLLEGES”. Submitted in partial fulfillment of the requirements for the Degree of Doctor of Education in Teachers College, Columbia University.

Reiss, M. J. and White, J. 2013 *An Aims-based Curriculum:The Significance of Human Flourishing for Schools*, London, IOE Press.

Rostron, Magdalena (2009). “Liberal arts education in Qatar: intercultural perspectives”. *Intercultural Education*.Vol. 20, No. 3, 219–229. https://doi.org/10.1080/14675980903138517.

Schirrmacher, R. (1998). Art and Creative Development for Young Children. New York: Delmar Publishers.

Sharp, Carolin and Metais Le Joanna (2000) .*The Arts, Creativity andCultural Education*: An International Perspective, Qualification and Curriculum Authority in England.

Zhou, Molly; Brown, David. (2015). *Arts Integration in Elementary Curriculum*. GALILEO, University System of Georgia.